

روش‌های چندجانبه‌ی جمهوری اسلامی ایران برای سرکوب کوردها*

آلان حسینیان**

”

در دهه‌های اخیر، فعالیت‌های سایبری و استفاده از پلتفرم‌های مختلف در رسانه‌های اجتماعی برای مقاصد سیاسی به‌صورت فزاینده‌ای در میان کوردهای ایران افزایش یافته است. رسانه‌های اجتماعی و سایر ابزارهای ارتباطات دیجیتالی، فرصت‌های زیادی را برای کوردها در روژها و سایر بخش‌های کوردستان و برای جنبش‌شان فراهم آورده است تا به مقاصد متعددی اعم از گسترش و ترویج زبان کوردی و جنبه‌های سیاسی جنبش کوردها خدمت کنند. این‌ها روش‌هایی هستند که کوردها به‌مثابه گروه ملی زیردست و به‌حاشیه‌رانده‌شده به کار می‌گیرند تا آرمان خود را ترویج دهند. ارتباطات میان گروه‌ها، افراد و جوامع اپوزیسیون کورد به واسطه‌ی ظهور پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی و سایر راه‌های ارتباطات دیجیتالی بهبود یافته است.

“

چکیده

از زمان تأسیس دولت-ملت مدرن ایرانی در سال ۱۹۲۳، رژیم‌های متوالی و حکومت ایران دنباله‌روی یک سیاست پیچیده‌ی سرکوبگری و آزار مردم کورد و تهدیدی جدی برای هویت، فرهنگ و جامعه‌ی ملی کوردها بوده‌اند. رژیم‌های ایران، به موازات روش‌های نظامی، مؤسسات فرهنگی، آموزشی، آیینی و اقتصادی، دولت را برای رسیدن به اهداف آسمیله‌کردن و تسلط بر کوردها به خدمت گرفته‌اند. یک بررسی در تاریخ کورد و سیاست در ایران آشکار می‌سازد در حالی که جامعه‌ی بین‌الملل بر استقرار وسیع نیروی نظامی و میل‌تاریزه‌کردن آشکار کوردستان ایران (روژها‌لات/شرق کوردستان) تا اندازه‌ای آگاهند، عمل‌های وسیع‌تر روانی و غیرنظامی (قدرت نرم) به‌کاربرده‌شده در سرکوب جنبش، هویت و فرهنگ کوردی برای دنیای بیرون کم‌تر شناخته شده است. در این مقاله، با تمرکز بر آبررسانه‌ها و سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» به عنوان راه‌بردها و مکانیزم‌های استفاده‌شده توسط دولت‌های ایران برای تسلط بر شهروندان کورد، می‌خواهد تحلیلی بر روابط دولت-کوردها در ایران پس از سال ۱۹۷۹ ارائه دهد.

کلمات کلیدی

میل‌تاریزه‌کردن، قدرت نرم، کوردها، جنگ روانی، روژها‌لات

مقدمه

مردم کورد، ملتی با جمعیت ۳۶-۴۶ میلیونی (بریتانیکا، ۲۰۲۴؛ انستیتوی کورد، ۲۰۱۷)^[۱] هستند که برخلاف خواست خود میان دولت-ملت‌های تورکیه، ایران، عراق و سوریه تقسیم شده‌اند. این تقسیم مردم کورد و کوردستان پس از جنگ جهانی اول منجر شده که کوردها یکی از بزرگ‌ترین ملت‌های

بدون دولت-ملت به شمار بیایند. متعاقب آن‌ها دستخوش سیاست‌های تبعیض‌آمیز و خشن در هر کدام از کشورهایی که آن‌ها را کنترل می‌کنند (کینگ، ۲۰۱۳) شده‌اند. برای مثال، یکی از مشخصه‌های اصلی تشکیل دولت-ملت در ایران از دهه‌ی ۱۹۲۰ پروسه‌ی بحث‌برانگیزی بوده که با شعار مدرنیزه‌کردن و یکدست‌کردن فرهنگ، هویت و زبان، فرهنگ، تاریخ و زبان فارسی را به بالاترین سطح تسلط خود رسانده است. دولت ایرانی تحت‌سلطه‌ی مستبدانه‌ی رضا شاه پهلوی (۱۹۲۵-۱۹۴۱)، پروسه‌ی پاکسازی زبانی و فرهنگی علیه مردم غیرفارسی را آغاز کرد.

هویت ایرانی فارسی‌سازی‌شده، زبان و فرهنگ فارسی را به عرب، آذری، بلوچ، گیلک، کورد، تورکمان، و سایر گروه‌ها و جوامع غیرفارسی با به‌کارگیری روش‌های قهری افراطی تحمیل کرده است. از ابتدای قرن بیستم، ایران آزمایشگاه سیاست‌های گوناگون آسمیله‌کردن جوامع ملی غیرفارسی و تبدیل آن‌ها به هویت ساختگی ایرانی-آریایی بوده است (الینگ، ۲۰۱۳؛ صالح، ۲۰۱۳؛ وزیری، ۱۹۹۳). دولت ایرانی جوامع ملی غیرفارسی سیاسی‌شده را به عنوان تهدیدی بر وجود خود دیده و با آن‌ها برخورد کرده است. دولت ایرانی، علاوه بر استفاده از نیروی قهری و نظامی، راه‌های جنگ روانی را برای به استیلا درآوردن و شیطانی‌سازی این جوامع به کار برده است (بهراری، ۲۰۲۰).

مردم کورد مستثنی از تحمیل هویت ملی تعریف‌شده‌ی دولت نبوده‌اند. در طول قرن اخیر، رژیم‌های متوالی در ایران سیاست‌های گسترده و مختلفی را برای آسمیله‌کردن کورد و کشاندن آن‌ها به جریان اصلی هویت ملی اعمال کرده‌اند. مردم کورد در ایران، مشابه کوردها در تورکیه، عراق و سوریه، از سیاست‌های اشغال‌گرانه دولت-ملت‌ها در یکدست‌سازی و نفی و نابودی هویت،

فرهنگ و زبان کوردی (انتصار، ۲۰۱۰) بسیار رنج دیده‌اند. برای مثال در ایران، منطقه‌ی کوردها^[۲] از لحاظ تاریخی منطقه‌ای بوده که در کشور بیشترین امنیتی‌سازی را شاهد بوده و با هویت ملی و سیاسی کوردها به عنوان تهدیدی برای تمامیت ارضی و هویت ایرانی رفتار شده است. این پنداشت توسط رژیم‌های متفاوت در ایران به کار برده شده تا امنیتی‌سازی کوردستان و ظلم و سرکوب فعالین فرهنگی و سیاسی کورد را توجیه کنند. میلیتاریزه کردن سیستماتیک کوردستان و امنیتی‌سازی هویت، فرهنگ و زبان کوردی از دوره‌ی پهلوی (۱۹۲۵-۱۹۷۹) شروع شد و توسط جمهوری اسلامی ایران نیز ادامه یافته است. (انتصار، ۱۹۴۸؛ حسینیان، ۲۰۲۱؛ سلیمانی و محمدپور ۲۰۲۰ الف) مقاومت کوردها در برابر هویت فارسی‌سازی‌شده منجر به قیام یک دهه‌ای رهبر کورد، اسماعیل آقای شکاک، شناخته‌شده به نام سمکو (سلیمانی، ۲۰۱۷)، رهبر جنبش ملی کوردها در اوایل قرن بیستم در ایران، و بعدها دیگر رهبر کورد، قاضی محمد، که جمهوری کوردستان با مرکزیت مهاباد را در ۱۹۴۶ بنا نهاد، شد. (ولی، ۲۰۱۱). این جمهوری بعد از ۱۱ ماه و پس از هجوم سنگین نظامی به کوردستان و اعدام قاضی محمد و چند تن دیگر از رهبران کورد پایان یافت (ولی، ۲۰۱۱). این جمهوری ارزش سمبولیک چشمگیری در تشکیل هویت ملی کوردهای ایران داشته است و به بخش جدایی‌ناپذیر حافظه‌ی جمعی و روایت مردمی کوردها در آزادی ملی تبدیل شده است و «(این) جمهوری در اذهان کوردها حق تعیین سرنوشت آن‌ها و توانایی آن‌ها در اداره‌ی امور خود را متبلور کرده است» (رومانو، ۲۰۰۶، ص ۲۴۵).

مردم کورد در ایران فعالانه در انقلاب ۱۹۷۹، که منجر به تشکیل جمهوری اسلامی

ایران شد، شرکت کردند. آن‌ها سقوط رژیم پهلوی را به عنوان فرصتی امیدوارکننده برای ظهور رابطه‌ای مسالمت‌آمیز با حکومت دیدند که می‌توانست به آن‌ها خودمختاری سیاسی و فرهنگی ببخشد، اما واکنش خشن رژیم اسلامی به اعلام خودمختاری کوردها و مقاومت کوردها در برابر رژیم منجر به امنیتی‌سازی گسترده‌ی زندگی کوردها شد (کعبی، ۲۰۲۳؛ حسینیان، ۲۰۲۱ الف). در دهه‌های اخیر، گزارشگران حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران مکرراً گزارش داده‌اند که تقریباً نیمی از زندانیان و اعدامیان سیاسی از فعالین سیاسی، فرهنگی، زیست‌محیطی یا آیینی کورد بوده‌اند، در حالی که کوردها ۱۲-۱۵٪ جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند (حسینیان، ۲۰۲۰). سرکوب و اعدام فعالین سیاسی و مدنی کورد، میلیتاریزه کردن گسترده و توسعه‌نیافتگی عمدی کوردستان، تخریب زیستگاه‌های انسانی و طبیعی و غارت منابع طبیعی آن از جمله روش‌های چندجانبه‌ی سرکوب کوردهاست که توسط رژیم اسلامی برای به‌حاشیه‌راندن و هجوم به کوردها اعمال شده است. اما جنبه‌ای دیگر از سرکوب کوردها توسط جمهوری اسلامی ایران هجوم ناآشکار و سازمانده‌ی شده علیه هویت فرهنگی و ملی کوردها و انسجام اجتماعی در کوردستان است.

با وجود این، از زمان قیام‌های سرتاسری در ایران در ۲۰۲۲، که عمده توسط تظاهرکننده‌گان کورد بر علیه قتل بی‌رحمانه‌ی زن کورد ۲۲ ساله، ژینا امینی (همچنان شناخته‌شده با نام تحمیلی حکومتی مهسا امینی)، توسط نیروهای گشت ارشاد در ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲ شروع شد، حدود ۶۰۰ تظاهرکننده در سرتاسر ایران توسط نیروهای پلیس و سپاه پاسداران کشته شدند (حسینیان، ۲۰۲۲؛ رادپی، ۲۰۲۲؛ صادقی بروجردی، ۲۰۲۳). تظاهرکننده‌گان در معرض خشونت

بسیار شدیدی قرار گرفتند، از جمله استفاده از گلوله‌های نظامی، به‌ویژه در مناطق و استان‌هایی مانند کردستان و سیستان و بلوچستان، که از لحاظ قومی-آیینی با هویت حاکم فارسی متفاوت هستند و تاریخی طولانی در مقاومت با رژیم دارند. در طول تظاهرات، بیشترین تعداد از تظاهرکنندگان توسط سپاه پاسداران و پلیس در این مناطق کشته شدند.

علاوه بر آن، حکومت کمپین‌های دروغ‌پراکنی و برچسپ‌زنی به تظاهرکنندگان با عناوین «فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه» به منظور لطمه‌زدن و از بین بردن همبستگی و اتحاد نوظهور بیناجوامعی در این مناطق را به راه انداخت (حسنیان، ۲۰۲۲ الف؛ محمدپور، ۲۰۲۴). در طول این قیام‌ها، کردستان ایران (روژها/ شرق کردستان) انواع ظلم دولتی را تجربه کرده است که مختص مردم کرد و مبارزه‌ی آن‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران است. حکومت تلاش کرد به تظاهرات در سایر نقاط کشور با تعداد محدودی کشته و زخمی پایان دهد، در حالی که در کردستان در دومین هفته‌ی اعتراضات در سپتامبر ۲۰۲۲ آشکارا تلاش کرد قیام را به جنگی منظم تبدیل کند. رژیم به‌طور سیستماتیک اخبار و ویدیوهایی جعلی درباره‌ی حضور اعضای شاخه‌ی نظامی احزاب سیاسی کرد (پیشمرگه) در میان تظاهرکنندگان پخش کرد. ویدیوها که نشان می‌دادند تفنگداران سپاه پاسداران خود را به شکل پیشمرگه درآورده‌اند و ساکنان روستاها و شهرهای کردی را می‌ترسانند در رسانه‌ها به‌سرعت پخش شد (حسنیان، ۲۰۲۲ الف؛ محمدپور، ۲۰۲۴). هدف رژیم از چنین استراتژی‌هایی این بود که به بهانه‌ی حفظ امنیت ملی، این قیام را در کردستان به شکل بی‌رحمانه‌ای سرکوب کند. اگر چه در ادامه هم با جزئیات شرح داده می‌شود، این استراتژی‌ها محدود به قیام

۲۰۲۲ نبود، بلکه ادامه‌ی استفاده‌ی رژیم از روش‌های نظامی و تاکتیک‌های روانی از ابتدای تأسیس خود در اوایل ۱۹۷۹ بود (کعبی، ۲۰۲۳؛ حسنیان، ۲۰۲۲ الف؛ محمدپور، ۲۰۲۴؛ رادپی، ۲۰۲۲).

هرچند که اختلافات دولت-کوردها در ایران تاریخی طولانی‌تر دارد و به ابتدای قرن بیستم برمی‌گردد، تمرکز این مطالعه بر روابط دولت-کوردها پس از ۱۹۷۹ است. این مطالعه قصد ندارد تأثیر مخرب هجوم‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران بر کوردها را که منجر به کشته‌شدن ده‌ها هزار نفر و تخریب اموال شد، کم‌اهمیت جلوه دهد (کعبی، ۲۰۲۳؛ حسنیان، ۲۰۲۱ الف؛ سلیمانی و محمدپور، ۲۰۲۰ الف)، بلکه تمرکز این مطالعه بر جنبه‌های پنهان‌تر و کم‌تر بحث‌شده‌ی جمهوری اسلامی ایران در هدفگیری کوردها خواهد بود (سلیمانی و محمدپور، ۲۰۲۰ ب). در این مقاله به جنبه‌های جنگ روانی و جنگ نرم علیه کوردها پرداخته می‌شود که هدفشان تخریب هویت کوردها و برهم‌زدن انسجام فرهنگی/اجتماعی و تضعیف روحیه‌ی آن‌ها در مبارزات خود است. از آنجایی که در جنبش‌های ملی کوردها تمرکز اصلی بر حفظ و ترویج هویت ملی، فرهنگ و زبان کردی بوده است، رژیم از طریق اشاعه‌ی فرهنگ رایج، صدا و سیما، سینما و غیره، سعی در تحقیر فرهنگ و هویت کوردها داشته است. برای مثال، فیلم‌های ایرانی سال‌هاست سعی کرده‌اند کوردها را خبیث و خالی از صفات انسانی نشان دهند، مخصوص مردهای کورد که آن‌ها را خشن، عقب‌مانده و غیرمتمدن جلوه داده‌اند. جمهوری اسلامی ایران همچنین با سازمان‌دهی و استقرار افراد محلی همدست خود، که به نام جاش^{۱۳} شناخته شده‌اند، خواسته است بذر تفرقه را میان کوردها بیافشاند (انتصار، ۲۰۱۰؛ مفیدی، ۲۰۲۲؛ ولی، ۲۰۱۱).

در طول تاریخ مدرن، صدا و سیما، انتشارات و شبکه‌های رسانه‌های اجتماعی نقش مهمی در توسعه‌ی دانش، اطلاعات و فرهنگ مردمی داشته‌اند. با این حال، این پلتفرم‌ها به‌وسیله‌ی نهادهای دولتی (برای نمونه، نظام آموزش و پرورش، ارتش‌های مذهبی و سازمان‌های اطلاعاتی) برای اهداف تبلیغی و استحکام و یا افزایش احساسات ملی‌گرایانه در میان مردم خود گسترش داده شده‌اند (مفیدی، ۲۰۲۲؛ شیخ‌الاسلامی، ۲۰۱۱؛ سلیمانی و عثمان‌زاده، ۲۰۲۲). این رسانه‌ها در اختلافات و رقابت‌های درون و بینا-ملت-دولتی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. سازمان‌های غیردولتی هم که رسانه‌های جدید خط‌مشی آن‌ها را ترویج می‌دهند از صدا و سیما مستفید شده‌اند. سازمان‌های پیش‌تاز جنبش کوردها این رسانه‌ها را به‌طور سیستماتیک به‌کار گرفته‌اند که حزب کارگران کوردستان (پ ک ک) نمونه‌ای موفق است. مد تی‌وی، نخستین کانال تلویزیون ماهواره‌ای کوردی (و احتمالاً نخستین کانال تلویزیونی متعلق به مردمان ستمدیده‌ی بدون دولت) در سال ۱۹۹۴ در اروپا تأسیس شد و از کمیسیون تلویزیون مستقل بریتانیا مجوز پخش گرفت. این رسانه که ابزاری قدرتمند در ترویج هویت فرهنگی و ملی کوردهاست برای دولت‌های اشغالگر کوردستان به‌چالشی تبدیل شده است (حسن‌پور، ۱۹۹۸). در نوشته‌های امیر حسن‌پور آمده است: «مد تی‌وی هر روز در نزدیک به دو میلیون خانه پرچم کوردستان را برمی‌افراشت. بدیهی است که تورکیه با هر دیش ماهواره در پشت بام هر ساختمانی در «جنوب شرق» مانند پرچم کوردستان برافراشته رفتار می‌کرد» (۱۹۹۸، ص ۹۹).

روش و چارچوب مفهومی

در طول موجودیت ۴۵ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران، جنبش کوردی به‌طور مداوم

یکی از اپوزیسیون‌های کنشگر و پویای آن بوده است. در پاسخ، رژیم تاکتیک‌هایی را در مبارزه با کوردها اتخاذ کرده است. در این مقاله برای مطالعه‌ی روش‌های چندجانبه‌ی رژیم در سرکوب کوردها، چهار مورد برای بحث انتخاب شده است: الف) رسانه‌های ایرانی؛ ب) کوردها در سینمای ایرانی؛ ج) جنگ تضعیف روحیه، و د) عامل جاش. برای هر یک از این موارد، منابع متعددی به زبان کوردی و فارسی در دسترس هستند. برای نمونه، مجله‌ی تیشک که مجله‌ای دوزبانه‌ی کوردی-فارسی است، برای مطالعات منتقدانه و برای عنوان و تم-های گوناگون از جمله رسانه، سینما، روابط دولت-کوردها از چشم‌انداز بینااستعماری، و اقتصاد سیاسی کوردستان، تبدیل به پلتفرم روشنفکرانه‌ی مهمی شده است. تیشک مجله‌ای غیرانتفاعی است که توسط کوردهای ایرانی در تبعید در کوردستان عراق انتشار می‌یابد، هرچند که بسیاری از مقالات آن توسط کوردهای ایران به‌صورت ناشناس نوشته می‌شوند. مطالب دیگری که در این مقاله به انگلیسی، کوردی و یا فارسی از آن‌ها استفاده شده است شامل مطالب اینترنتی، محتوای رسانه‌های اجتماعی (پست‌های فیس‌بوکی)، نظرات و مقاله‌های کوتاه است.

دولت به‌شکلی سیستماتیک سرویس‌های صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران را برای حمله به هویت، فرهنگ و زبان جوامع ملت‌های غیرفارسی‌زبان گسترش داده است. برای مثال، در اوایل دوره‌ی بعد از انقلاب، و به‌موازات حملات نظامی به کوردستان، در صدا و سیما، جمهوری اسلامی و روزنامه‌های دولتی، جمهوری اسلامی ایران حمله‌ای همه‌جانبه را به مردم کورد و جنبش آن‌ها آغاز کرد که منجر به اعتراضات سرزنشگرانه‌ی کوردها شد. منبعی دیگر برای اطلاعات این مطالعه، مطالبی

است که توسط دولت ایران تولید و پخش شده‌اند و پلتفرم‌های رسانه‌های تحت حمایت دولت که کوردها (و فرهنگ، هویت و جامعه‌ی کوردی) را به تصویر می‌کشند. این موارد شامل مستندات، فیلم‌ها، سریال‌های تلویزیونی (لایبارگر، ۱۹۴۸، ۲۵) و سایر مواردی هستند که می‌توان به فرهنگ مردمی توصیف شوند. این بخش، جنگ بی‌صدای جمهوری اسلامی ایران علیه کوردها را از لنز جنگ روانی مفهوم‌سازی می‌کند. با به یاد آوردن دیوید. آ. کارتر (۱۹۷۷)، می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران پروسه‌ای متداوم از خشونت‌هایی را علیه کوردها دنبال می‌کند که از نظر روانی گزینشی هستند و هدف آن‌ها تهدید، ترساندن، تحقیر، بازدارندگی و تضعیف روحیه‌ی مردم است. جنگ روانی، به‌مثابه چارچوبی مفهومی، توصیف‌های گوناگونی برای چرایی و چگونگی اتکای دولت بر تدابیر روانی، چه بر علیه دولت‌های دیگر و چه در بستری داخلی ارائه می‌دهد. پاول لاینبارگر (۱۹۴۸)، پیشگام مفهوم‌سازی جنگ روانی، تأکید می‌کند که «نه جنگ و نه روانشناسی موضوعات جدیدی نیستند و هر کدام به‌اندازه‌ی بشر قدیمی هستند» (ص ۲۵). طبق این استراتژی، «بزرگ‌ترین موفقیت در جنگ از طریق از بین بردن میل دشمن به مقاومت، و با کم‌ترین میزان نابودی ظرفیت جنگجویی به دست می‌آید» (لاسول، ۱۹۵۱، ص ۲۶۱). جنگ روانی مقوله‌ای غیرمتعارف از جنگ است که علم روانشناسی را به عنوان عنصر ابزاری خود به کار می‌گیرد. این یک پروسه‌ی دقیق، پیچیده و متداوم است که برای رسیدن به دشمن و تضعیف روحیه‌ی او طراحی گردیده و با نام جنگ «قلب‌ها و ذهن‌ها» (کلو، ۲۰۰۹) هم شناخته شده است. جنگ روانی، برخلاف جنگ نظامی، نوعی جنگ نرم است که در بسیاری موارد روش‌های غیرخشن را برای

پراکندن ترس و سردرگمی به کار می‌گیرد. فعالیت‌های روانی برنامه‌ریزی‌شده مانند پروپاگاندا، دستکاری کردن و تکنیک‌های نیمه‌آگاهانه برای هدف‌گیری فرهنگ، احساسات و رفتارهای مخاطبین مورد نظر و یا تغییر طرز برخورد و رفتار دشمن به کار برده می‌شوند. بنابراین پروپاگاندا در کانون جنگ روانی قرار دارد و احتمالاً با عنوان «ترغیب سازمانده‌ی شده با استفاده از روش‌های غیرخشن» توصیف شود (لاینبارگر، ۱۹۴۸، ص ۲۵). هدف پروپاگاندا دستکاری رفتار مخاطبینی خاص است. واقعیت‌هایی را انتخاب و به نحوی ارائه می‌کند که گزینه از ذهن برتر شود تا خروجی مطلوب را به دست آورد. در نوشته‌های گارث اس. جوت و ویکتوریا جی. اودانل آمده است: «پيامی که پروپاگاندا شناخته می‌شود یعنی چیزی منفی و نادرست. کلماتی که در مقام مترادف پروپاگاندا به کار برده می‌شوند شامل دروغ، تحریف، فریب، دستکاری، کنترل ذهن، جنگ روانی، شستشوی مغزی و پايه گویی هستند» (جوت و اودانل، ۲۰۱۲، ص ۲).

رشد اینترنت این زمینه را برای پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی جدید مانند فیس‌بوک، توئیتر، اینستاگرام و یوتیوب، و موتور جستجوگر گوگل فراهم کرد که به منابع جهانی مهم برای اطلاعات تقریب کنترل‌نشده تبدیل شوند. استفاده از تلویزیون هم برای رساندن پیام‌های روزافزون بیشتر شده است. رژیم‌های مستبد از رسانه‌ها برای تقویت مشروعیت خود، رواج روایت حاکم و نشر اطلاعات غلط استفاده کرده‌اند. امروزه استفاده‌ی گسترده از اینترنت، ارتباطات شخصی‌سازی‌شده‌تر و وسیع‌تر را نسبت به گذشته امکان‌پذیر کرده است، اما در عین حال به انتشار بسیار بیشتر پروپاگاندا و اخبار جعلی نیز کمک کرده است (جوت و اودانل، ۲۰۱۲). با این حال، جمهوری اسلامی ایران



جنگ نرم و روانی و پروپاگاندا را در روابط خود با کوردهایی که درون مرزهای ایران زندگی می‌کنند به کار برده است. با این هدف، رسانه‌ها نقش مهمی ایفا کرده‌اند. بخش بعدی به سینمای ایرانی، فیلم‌ها و سایر اشکال تصویری فرهنگ مردمی می‌پردازد که در این مطالعه به عنوان عناصر جنگ روانی ضد فرهنگ، هویت و جنبش کوردها در ایران استفاده می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران با خلق هزاران صفحه و حساب کاربری در فیس‌بوک، اینستاگرام و سایر پلتفرم‌های اینترنتی، نظارت بر تمامی پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی و پخش اخبار جعلی و پروپاگاندا، در جنگی روانی و نرم علیه ملت کورد درگیر شده است (خسروی، ۲۰۲۱؛ رحیم‌نژاد، ۲۰۲۱).

رسانه‌های ایرانی به‌مثابه ماشین پروپاگاندا

هرگاه کانالی برای ارتباط باشد، رسانه‌ای بالقوه برای پروپاگاندا هم وجود دارد. کمپین‌های پروپاگاندای مدرن تمامی رسانه‌های در دسترس را به کار می‌گیرند: فیس‌بوک، تویتر و سایر پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی برای گروه‌های سیاسی و اجتماعی در سرتاسر جهان به روش‌های مهم ارتباطی تبدیل شده‌اند. دسترسی به رسانه‌ها هم به‌طور غیرقابل‌بحثی ابزار قدرتی است که می‌تواند به مثابه اسلحه‌ی جنگی به کار برده شود (پاین، ۲۰۰۵). جنبش کوردها، زبان، فرهنگ و هویت آن‌ها هدف اصلی حملات رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند. نبود رسانه‌ای ملی برای تجلیل و دفاع از کوردها، آن‌ها را به هدفی ساده و همیشگی در جنگ روانی و پروپاگاندای دولت‌های اشغالگر کوردستان تبدیل کرده است (بهاری، ۲۰۲۱؛ فرشی، ۲۰۲۱). رسانه‌های ایرانی، به‌مثابه ابزار ایدئولوژی رژیم، قدرت و ارزش‌های ساختار حاکم را

تولید، بازتولید و اعمال می‌کنند. این کانال‌ها، با رساندن پیام مطلوب، جایگاه «سوبژه» را تعیین می‌کنند. در بستری مستبدانه مانند جمهوری اسلامی ایران، ابررسانه‌ها مانند سایر ابزار، ارزش‌ها و هژمونی فرهنگی ساختار حاکم را توسعه و آسمیله‌کردن را ترویج می‌دهند (۵. روژهلات، ۲۰۲۱، ص ۱۶۰-۱۶۱). آیت الله خامنه‌ای، دومین رهبر و رهبر کنونی جمهوری اسلامی ایران، توضیح می‌دهد که «رسانه وسیله‌ی مهمی است و اگر در دست دشمن باشد ابزاری خطرناک است، چرا که اثرات آن مشابه سلاح‌های زیست‌شناختی استفاده‌شده در میدان جنگ است» (خسروی، ۲۰۲۱، ص ۳۰). سینما را هم مانند تمامی فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی-سیاسی در ایران، نمی‌توان جدا از ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران مطالعه کرد.

رژیم اسلامی، علی‌رغم محافظه‌کاری شدیدش، به اهمیت اجتماعی-سیاسی سینما به‌طور جدی توجه کرده است. بنیانگذار و نخستین رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت الله خمینی اعلام کرد که سینما باید به عنوان ابزاری برای «آموزش مردم» به کار برده شود و اعتقاد داشت که تمامی هنرها باید در خدمت اسلام باشند (زیدآبادی‌نژاد، ۲۰۱۰، ص ۶). بنابراین، جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیدایش خود، صنعت سینمای خود را موضوعی بسیار مهم دانسته است. فیلم‌ها وسیله‌ی پروپاگاندای دولت برای فهمیدن هدف ایدئولوژیکی و اطلاعاتی هستند؛ سران جمهوری اسلامی ایران، برای نمونه محمود علوی، وزیر اطلاعات (۲۰۱۳-۲۰۲۱)، این را پنهان نمی‌کنند که هدف این است که وسایل سرگرمی را به عنوان ابزاری برای «آموزش عموم» و «محافظت از جامعه در برابر جاسوسی» به‌کار گرفته شوند (علوی در مرکز حقوق بشر در ایران در ۲۰۲۱ این را نقل کرد). مطالعه‌ی سینمای ایرانی آشکار



گزارشات در دهه‌ی گذشته، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی از سرویس‌های امنیتی، اعترافات اجباری دست کم ۳۵۵ نفر را به‌منظور سرکوب مخالفان و ترساندن فعالین مدنی و سیاسی پخش کرده است (گامبرل، ۲۰۲۰). صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ارگانی برای سرکوب دولتی، ابزارهای ارتباطات را به کار می‌گیرد و «مانند قطبی رسانه‌ای در اتصال شبکه‌های سازمان‌های امنیتی، اطلاعاتی، نظامی و قضایی عمل می‌کند» (گامبرل، ۲۰۲۰) همکاری نزدیک این نهاد با وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران منجر به دخالت در «جنگ نرم» علیه مخالفان رژیم شده است. در گزارشی که توسط فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر تهیه و چاپ شده است، صدا و سیمای «وسیله‌ای برای ساکت کردن، شرمزار کردن، شیطانی‌سازی، افتراستن، ترساندن، مجازات و حتی شکنجه‌ی بازداشت‌شدگان» شناسایی شده و «[وجودش] برای پلیس، اطلاعات و نیروهای نظامی دولتی ضروری است» (۲۰۲۰، ص ۱۴).

می‌سازد که سینما در ایران بیشتر وسیله‌ای جهت انتشار پیام‌های تبلیغاتی هدفدار و ایدئولوژیک است تا صرفاً خاستگاهی برای سرگرمی. بنابراین بسیاری از فیلم‌های داستانی و سریال‌های تلویزیونی توسط شمار محدودی از تولیدکننده‌گان و کارگردانان و در ژانرهای امنیتی و سیاسی و با حمایت مالی و دخالت سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران تولید شده‌اند (باجقلی، ۲۰۱۷؛ بزرگمهر، ۲۰۲۰؛ اردلان، ۲۰۲۱؛ قبادی، ۲۰۱۹).

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین تولیدکننده‌ی اخبار و فیلم‌ها در ایران است و به زبان‌های مختلفی از جمله فارسی، کوردی، عربی و انگلیسی برنامه‌سازی می‌کند. صدا و سیمای جمهوری اسلامی و شاخه‌های آن مستقل نیستند، بلکه نهادهایی هستند که توسط حکومت کنترل می‌شوند و مشخصه‌ی اصلی آن‌ها «ایده‌پردازی پروپاگاندا» است (دروس، ۲۰۰۷). صدا و سیمای از نخستین روزهای جمهوری اسلامی ایران، وسیله‌ای قدرتمند در رساندن تاریخ و اخبار تحریف‌شده به عموم بوده است. براساس

جوامع ملی و مذهبی غیرفارسی و غیرشیعه‌ای ایران و سایر مخالفان سیاسی، از اهداف اصلی اعترافات اجباری و اظهارات افتراآمیز صدا و سیما هستند. فعالینی که ریشه در این مناطق دارند به صورت متداول با عناوین تجزیه‌طلب، افراط‌گرا یا تروریست طبقه‌بندی می‌شوند. برای مثال، به کوردها برچسب وحشی‌های غیرمتمدن و تروریست‌های کمونیست زده می‌شود؛ عرب‌ها به شکل تن‌پرور، خشن و تروریست‌های اسلام‌گرای افراطی به تصویر کشیده می‌شوند و آذری‌ها نابخرد، متعصب و شوونیست نشان داده می‌شوند (صالح، ۲۰۱۳، ص ۱۲۷). فعالین سیاسی و زیست‌محیطی کورد و افراد عادی جامعه‌ی مدنی کوردها از جمله‌ی این قربانیان هستند. مورد زانیار و لقمان مرادی^۴، دو پسرعموی کورد که در ماه اوت ۲۰۰۹ دستگیر شدند، و رامین حسین‌پناهی (فعال سیاسی کورد) که در ۸ سپتامبر ۲۰۱۸ اعدام شدند، دو نمونه از بسیاری موارد استفاده‌ی رژیم از اعترافات اجباری و افترای رسانه‌ای، با شرکت روزنامه‌نگاران صدا و سیما و پخش در کانال‌های آن هستند. هدف اصلی این اعترافات اجباری و پخش آن‌ها شروع کمپینی برای خدشه‌دار کردن و آسیب‌رساندن به اعتبار افراد مورد نظر است. همچنین با نشان‌دادن چهره‌های شناخته‌شده‌ای که تحت بازجویی‌ها خرد شده و اعتراف کرده‌اند، سعی در تضعیف روحیه‌ی جامعه‌ی مدنی دارند (فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر و عدالت برای ایران، ۲۰۲۰، ص ۴۵-۴۹).

در دهه‌های اخیر، رژیم و صدا و سیما کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای زیادی برای مخاطبین فارس‌زبان و غیرفارسی‌زبان از جمله کوردها و عرب‌ها تأسیس کرده‌اند. العالم، سحر تی‌وی و پرس تی‌وی چند نمونه از آن‌ها هستند. برای مثال، مخاطب اصلی سحر تی‌وی کوردهای عراق هستند. پلتفرم‌های

رسانه‌های اینترنتی، شامل کورد پرس، دیار و نادیار، بولتن نیوز، کوردستان امروز، آکام نیوز، کورد تودی و چندین نمونه‌ی دیگر با حمایت مالی سرویس اطلاعاتی سپاه پاسداران و به منظور اشاعه‌ی پروپاگاندا و جعل اخبار تأسیس شده‌اند تا احزاب سیاسی کورد را هدف قرار دهند و به آن‌ها آسیب برسانند. صفحات این وب‌ها دو زبانه هستند و محتوای جامعی درباره‌ی مسائل کوردها دارند. یک درک نادرست این است که جمهوری اسلامی ایران با تأسیس چنین پلتفرم‌های رسانه‌ای و پخش اخبار و اطلاعات می‌خواهد زبان و فرهنگ کوردی را ترویج دهد. در واقع این‌گونه تلاش‌ها در راستای گمراه‌سازی، شیطانی‌سازی و تحقیر کوردها به زبان خودشان است. رژیم با به‌راه‌انداختن چنین جنگ‌های روانی و نرمی می‌خواهد ارزش‌های جامعه‌ی مورد هدف خود را تعریف کند؛ هر هدف و گفتمان دیگری که در آن رژیم متخاصم باشد هدف قرار می‌گیرد و کوچک شمرده می‌شود. اعمال حاکمیت مستبدانه‌ی رژیم از طریق رسانه‌ها برای گسترش و تحمیل هژمونی خود، اعمال خشونت از طریق قدرت نرم است (ه. روزگلات، ۲۰۲۱، ص ۱۶۱).

کوردها در سینمای ایرانی

جمهوری اسلامی ایران از زمان تأسیس خود از رسانه‌های مردمی، به ویژه سینما و تلویزیون، برای حمله به کوردها استفاده کرده است (خسروی، ۲۰۲۱). سینمای ایرانی تحت حمایت مالی دولت سوبزه‌ی ایده‌آلی برای فهم جنگ روانی‌ای است که جمهوری اسلامی ایران بر علیه ملت کورد ایران روا داشته است (ناصری، ۲۰۲۱، ص ۲۳۵). کوردها در حد افراطی به شکل جوامع قبیله‌ای عقب‌مانده‌ی تبهکار به تصویر کشیده شده‌اند و ادعا می‌شود که رفتارهایی مانند بریدن سر

بیگانه‌ها و خوردن افراد نظامی ایران دارند. رژیم سعی دارد کوردها را با چنین تصویری که از انسانیت تهی است به سایر ایران شناساند. در فیلم‌ها، برنامه‌های محبوب تلویزیونی و روزنامه‌ها، فرهنگ، آداب و رسوم و زبان کوردها به سخره گرفته می‌شود. در فیلم‌های ایرانی شخصیت‌های به‌ظاهر کورد را اینگونه نشان می‌دهند که کاریکاتور لباس‌های سنتی کوردی می‌پوشند، حرکات ناشیانه دارند و حالاتی از خود نشان می‌دهند که به کوردها شباهت ندارند (بهری، ۲۰۲۰، ص ۲۹۴؛ ه. روزها، ۲۰۲۱، ص ۱۶۴). همانطور که در مطالعه‌ی سارو اردلان درباره‌ی سینمای ایرانی (۲۰۲۱) تأکید شده است، این فیلم‌ها می‌خواهند ادعا کنند که تنها کوردهای آسمیله (فارسی‌سازی‌شده) می‌توانند مقبول واقع شوند. هر چند که تحقیر و شیطانی‌سازی کوردها و اشاعه‌ی تحریف در مورد کوردستان رویه‌ای جدید نیست. حملات رسانه‌ای مشابهی علیه کوردها توسط صدا و سیما در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ انجام گرفت که منجر به خشم عمومی در شهرهای کوردستان شد (بهری، ۲۰۲۰، ص ۲۹۴). تهران مصور (۱۹۷۹)، ماهنامه‌ای فارسی، به این نکته اشاره می‌کند که «رادیو و تلویزیون ملی نقشی ویرانگر در تحریف حقایق اتفاقات کوردستان دارد.»

جنبش کوردها برای سینمای ایرانی هدف ویژه‌ای بوده است. به گفته‌ی پژوهشگرانی مانند هیوا روزها (۲۰۲۱)، هدف سینمای ایرانی از حضور بازیگران و سازمان‌هایی که نماینده‌ی محض غرب و قدرت‌های منطقه هستند این است که این جنبش را بی‌اساس و نامشروع نشان دهد (ص ۱۶۹). پس از ۱۹۷۹، فیلم‌ها و مستندات بسیاری به وقایع و درگیری‌های کوردستان پرداخته‌اند. بسیاری از این فیلم‌ها در ژانر دفاع مقدس هستند که به جنگ ایران و عراق می‌پردازند (۱۹۸۰-۱۹۸۸). این فیلم‌ها

سعی دارند بی‌رحمی رژیم در کوردستان را مشروع جلوه دهند و چهره‌های رژیم از جمله مصطفی چمران، صیاد شیرازی، محمد بروجردی و صادقی خلخالی را ستایش کنند و جنبش کوردها را خشونت‌آمیز و فاسد توصیف کنند. برای مثال، زندان دوله‌تو، کانی مانگا (جایی در روژها)، حماسه‌ی دره‌ی شلیر، چ (حرف چ)، اشک سرما، شور شیرین، حکایت عاشقی، ایستاده در غبار، کوی-سنجق (شهری در کوردستان عراق) و روزهای ابدی از جمله فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی هستند که جنبش کوردها را به تصویر می‌کشند که از دهه‌ی ۱۹۸۰ تا کنون از جانب مؤسسات وابسته به سپاه پاسداران تولید و یا حمایت مالی شده‌اند. هدف اصلی فیلم‌های قدیمی پیشمرگه‌ها و احزاب سیاسی کورد بود. کانی مانگا و حماسه‌ی دره‌ی شلیر در دهه‌ی ۱۹۸۰ در سینماهای ایرانی به نمایش درآمدند که با تحریف چهره‌ی جنگجویان ملی کورد آن‌ها را مانند افراد بی‌رحم، بی‌خرد و از نظر اخلاقی فاسد نشان می‌دهد که حتی نسبت به مردم خود هم خشن و بی‌رحم هستند.

فیلم‌ها و سریال‌های جدیدتر نیز به جنبش کوردها پرداخته‌اند، هرچند در آن‌ها عناصر فرهنگی برجسته و محبوب‌تری و با حضور بازیگران و یا تولیدکنندگان کورد نمایش داده می‌شوند (ناصری، ۲۰۲۱، ص ۲۳۵). فیلم‌هایی مانند شور شیرین و حکایت عاشقی از نظر نمایشی ارزش بیشتری نسبت به کارهای پیشین دارند، گاهی با پرداختن بیشتر به ماجراهای عاشقانه و کمتر به اختلافات، حواس بیننده و منتقدان را از کارکرد نامحسوس اما قدرتمند پروپاگاندایی‌شان منحرف می‌کنند. در بسیاری از این فیلم‌ها مردان کورد نسبت به جامعه، خانواده و همسر خود بی‌وفا و بی‌مسئولیت نشان داده می‌شوند و زنان کورد عاشق پاسدار (عضو





وفادارند» (اردلان، ۲۰۲۱، ص ۱۳۰).
 رژیم با پخش فیلم‌های کوتاه و مستندات در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲ تهاجم سینمایی خود را بر کوردها تشدید کرده است. از جمله‌ی آن‌ها سریال تلویزیونی نون-خ (ن.خ) ^{۱۶} (آقاخانی، ۲۰۱۹) و شبه مستند کوی‌سنجق (حقیقتجو و نیکدست، ۲۰۱۷) و لبه‌ی دوم تیغ (صدا و سیمای کوردستان، ۲۰۲۱) هستند. نون-خ یک کمدی است که منتقدان کورد آن را مصداقی دیگر از جنگ نرم و روانی رژیم در کوردستان می‌دانند که سعی در تحقیر فرهنگ، زبان و هویت کوردها دارد. برخی از بازیگران نون-خ کورد هستند که منتقدان آن را تلاشی برای اثبات موفقیت رژیم در آسمیله‌کردن کوردها در سیستم ارزشی خود می‌دانند. نون-خ باعث شکایات و اعتراضات تعدادی از سازمان‌های غیردولتی و جامعه‌ی مدنی کوردها شده است (ناصری، ۲۰۲۱). سریال‌ها و فیلم‌های مشابه آن واکنش رژیم به خیزش احساسات ملی کوردها و پرداختن و پرورش هویت و فرهنگ‌شان است. رژیم این گونه پیشرفت‌ها را تهدیدی

سپاه پاسداران) می‌شوند و به همسر کورد خود و جنبش کوردها پشت می‌کنند تا با سپاه پاسداران در کوردستان همکاری کنند. حکایت عاشقی، ساخت احمد رمضان‌زاده (۲۰۱۶)، حاوی مشخصه‌های بسیاری است. وجه مشترک بسیاری از این فیلم‌ها این است که ارتش و سپاه پاسداران ایران به مثابه‌ی ناجی‌هایی هستند که جامعه‌ی کوردها را از عقب‌ماندگی و از ستم پیشمرگه‌ها نجات می‌دهند و کوردستان را از مین‌ها پاک‌سازی می‌کنند و به کوردها اهمیت همزیستی و عشق را می‌آموزند. طبق نوشته‌های اردلان (۲۰۲۱)، پیام تحقیرآمیز روابط عاشقانه‌ی میان یک زن کورد و یک پاسدار فارس و رفتار خیانت‌آمیز و نامسئولانه‌ی یک مرد سبیل‌کلفت کورد نسبت به خانواده‌اش این است که به بیننده‌ی ایرانی و همچنین کوردها، که سوبزه‌ی اصلی این فیلم هستند، بقبولاند که «رژیم بدون به‌کاربردن نیروی نظامی بر کوردها و جنبش‌شان پیروز شده است و موفق شده است کوردهای آسمیله‌ای بسازد که به جمهوری اسلامی ایران کاملاً

برای تسلط سیاسی و فرهنگی اکثریت فارس ایرانی می‌داند.

منتقدان درباره‌ی چنین فیلم و سریال‌هایی گفته‌اند: «هنگامی که کولونیالیزم ایرانی با خیزش ناسیونالیزم کوردی مواجه می‌شود، سعی می‌کند قبل از آنکه به اوج برسد با تهاجم رسانه‌ای تمام‌عیار از گسترش آن جلوگیری کند» (رحیم‌نژاد، ۲۰۲۱، ص ۲۶۴). هدف پشتیبانی رژیم از تولید فرهنگ رایج، آسمیله‌کردن کوردها است. برای مثال، تلاش می‌کند کوردها را متقاعد کند که هویت آن‌ها زیرمجموعه‌ی هویت فارسی است و انسجام سیاسی-اجتماعی آن‌ها را تخریب می‌کند، هرچند این رویه‌ی دولت محدود به کوردها نیست. جمهوری اسلامی ایران چنین رویه‌ی تحقیرکننده‌ای را علیه سایر جوامع ملی غیرفارس‌زبان اعم از عرب‌ها، آذری‌ها و بلوچ‌ها به کار برده است. برای مثال سریال تلویزیونی فتیله (آژانس خبری فارس نیوز، ۲۰۱۵) همان کار را علیه مخاطبین آذری‌زبان انجام می‌دهد که نون-خ علیه کوردها انجام داده است. فتیله هم به طرز مشابهی تهاجم به فرهنگ و هویت آذری‌ها انگاشته شد و آنقدر محکوم شد که رژیم پخش آن را متوقف کرد. اعتراضات مشابهی در استان گیلان در واکنش به سریال دیگری به نام وارث (بهری، ۲۰۲۱، ص ۲۹۴؛ خوری، ۲۰۱۹) انجام شد.

شعبه‌ی استان کوردستان صدا و سیما در چهل و دومین سالگرد انقلاب ۱۳۷۹، لبه‌ی دوم تیغ را پخش کرد که تلاشی دیگر در تحریف تاریخ جنبش کوردها است و در آن نقش احزاب سیاسی کورد را در طول انقلاب و پس از آن خیانت‌آمیز و در خدمت منافع و برنامه‌های قدرت‌های خارجی نشان می‌دهد. لبه‌ی دوم تیغ چکیده‌ی مطالب انتقادی چهره‌های سیاسی ومدنی کورد را نشان می‌دهد که درباره‌ی خودشان یا رهبران سیاسی و احزاب کوردی در رسانه‌ها، به‌ویژه

پخش زنده‌ی فیس‌بوک صحبت کرده‌اند. این چکیده‌ی مطالب از بستر خود بیرون آورده شده و در جهت خدمت به دستورکار جمهوری اسلامی ایران بازسازی شده‌اند. به گفته‌ی هیرش ناصری چنین مستندات و سریال‌هایی «سعی دارد اتفاقاتی که در کوردستان رخ داده است را از چشم‌انداز رژیم تصویرسازی و روایت کنند تا جنبش کوردها را نامشروع و ستم و خشونت رژیم اسلامی را کنشی ضروری و مشروع جلوه دهند» (ناصری، ۲۰۲۱، ص ۲۳۵). چنین محصولاتی بیشتر در خدمت ماشین پروپاگاندایی است که بیش از آن‌که بخواهد مخاطبین ایرانی و کورد را سرگرم یا مطلع سازد به کلیت یک ملت توهین می‌کند. لبه‌ی دوم تیغ مانند بسیاری از برنامه‌های صدا و سیما، کوردستان، باعث خشم عمومی مخصوصاً از جانب کوردهای سیاسی دیاسپورا شده است. مردم کورد به دلیل محبوب نبودن صدا و سیما، کوردستان به طور رایج به آن «جاش تی‌وی» می‌گویند (ر. روزها، ۲۰۲۱، ص ۳۵). اگرچه رژیم سعی می‌کند تمام روش‌های فریبکاری را به کار گیرد تا بیننده‌ی بیشتری برای برنامه‌هایش به دست آورد، برنامه‌های صدا و سیما، کوردستان بیننده‌ی کمی دارند. به طور مثال، این ایستگاه تلویزیونی قبل از پخش لبه‌ی دوم تیغ به ساکنین استان پیام می-فرستاد و آن‌ها را تشویق به دیدن این برنامه می‌کرد (بهری، ۲۰۲۱).

جنگ تضعیف روحیه

در حالی که نقطه‌ی مشترک جنگ علیه کوردها در ایران، ترکیه، عراق و سوریه مطیع کردن و نابودی هویت کوردها، زبان و فرهنگ‌شان است، روش‌ها و تدابیر استفاده‌شده توسط این دولت‌ها برای رسیدن به این هدف متفاوت است. برای مثال، جمهوری ترکیه از زمان تأسیس در ۱۹۲۳

وجود ملت کورد را انکار کرده است و مرتکب چندین قتل‌عام از جمله قتل‌عام درسیم در ۱۹۳۶-۱۹۳۷ شده است. در سوریه قتل‌عام‌ها و سایر قساوت‌ها علیه کوردها انجام شده است. آخرین آن در ۱۲ مارس ۲۰۰۴ در قامشلی بود که تظاهرکنندگان به شکل بی‌رحمانه‌ای سرکوب شدند که در نتیجه‌ی آن ۳۰ نفر کشته و ۱۶۰ نفر زخمی شدند (تجل، ۲۰۰۸). اقدامات نسل‌کشی دولت عراق در دهه‌ی ۱۹۸۰ منجر به قتل حدود ۲۰۰,۰۰۰ کورد شد (کرمناج و رفات، ۲۰۲۱؛ صادق، ۲۰۲۳). اگرچه جهان بیرون از قتل‌عام‌های فجیع کوردها در ترکیه و عراق آگاه شده‌اند، اما وسعت آن شناخته نشده است. اما در ایران و به‌ویژه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، علی‌رغم رنج‌های فراوان کوردها از سیاست تمامیت‌خواهی دولت، نقض حقوق بشر علیه کوردها به‌صورت نسبی برای جهان بیرون کوردستان و ایران ناشناخته مانده است. این غفلت حاصل استراتژی ایران در سرکوب و منزوی کردن کوردهاست. ایران توانسته است به‌دقت آن را از جامعه‌ی جهانی تا جایی پنهان کند که برخی از کوردها در سایر نقاط کوردستان باور کنند که رژیم ایران روابط صلح‌آمیز و همه‌گیری را با کوردها دنبال کرده است (پوش، ۲۰۱۷).

این فرضیه‌ی معیوب منجر به کاهش همبستگی برون‌مرزی میان کوردها و جنبش کوردها در قسمت‌های مختلف کوردستان شده است. برای مثال، رسانه‌ها و نخبه‌های حاکم کوردستان عراق معمولاً سالگرد انقلاب ایران در ۱۹۷۹ را جشن می‌گیرند و در سالگرد مرگ و کشته‌شدن چهره‌های نظامی و سیاسی مشهور ایران مانند خمینی (ابنا ۲۴، ۲۰۲۳) و قاسم سلیمانی، فرماندهی ارشد بدنام واحد برون‌مرزی سپاه پاسداران، قدس، که در ۳ ژانویه ۲۰۲۰ با حمله‌ی پهپادی آمریکا در بغداد کشته شد، عزاداری

می‌کنند. برای مثال، نچیروان بارزانی، رئیس دولت اقلیم کوردستان در آگوست ۲۰۲۱ در دیدار با ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران، در تهران گفت: «ما خود را بخشی از ایران و انقلاب آن می‌دانیم» (سنور نیوز، ۲۰۲۱). در مناسبتی دیگر در ژانویه‌ی ۲۰۲۲ در مراسم دومین سالگرد مرگ سلیمانی که در شهر سلیمانیه در کوردستان عراق برگزار شد، استاندار سلیمانیه، هوال ابوبکر، اعلام کرد که می‌خواهد مرگ سلیمانی را به «روز جهانی صلح و گفت‌وگو» نام‌گذاری کند (مصطفی، ۲۰۲۲). در حالی که جمهوری اسلامی ایران پاسخ هر خواسته‌ی سیاسی-اجتماعی کوردها در ایران را با خشونت و بی‌رحمی می‌دهد، در کوردستان عراق چنین اظهار نظرهایی را شاهدیم. شایان توجه است که هر گاه چنین نظراتی بیان می‌شود، بخشی هرچندکم از جامعه‌ی مدنی کوردستان عراق، چنین ادعاهایی را محکوم و از آن فاصله می‌گیرند (دنگی آمریکا، ۲۰۲۳). البته چنین حمایت‌هایی از جمهوری اسلامی ایران از جانب بیشتر مردم کوردستان عراق انجام نمی‌شود، اما باعث خشم و ناامیدی در میان کوردهای ایران می‌شود که این‌گونه اظهارات را نشانه‌ی موفقیت جمهوری اسلامی ایران در تفرقه‌اندازی میان کوردها می‌دانند.

در طول تاریخ مبارزه‌ی کوردها، رژیم‌های اشغالگر کوردستان و سرکوبگران جنبش کوردها منابع عظیمی را به این نبرد اختصاص داده‌اند. درحالی‌که آسمیله‌کردن و نابودی چشمگیر کوردها آرمان اصلی بوده است، تفرقه‌افکنی داخلی و تضعیف روحیه‌ی آن‌ها برای ترک جنبش کوردها از جمله استراتژی‌هایی بوده است که برای رسیدن به این آرمان دنبال می‌شود. تضعیف روحیه‌ی جامعه‌ی کورد از طریق پروپاگاندا، دروغ و روایات تحریف‌شده در مورد جنبش کوردها و احزاب سیاسی و رهبران‌شان، هدف اصلی

به دلیل ماهیت نظامی‌شده‌ی روزگارات، انجام کار میدانی و تحقیقی برای سنجش دقیق میزان تأثیر جنگ روانی جمهوری اسلامی ایران در آن منطقه بسیار دشوار است. هر چند که کوردها از نظر زندگی انسانی، سایر رنج‌ها و سرکوب‌ها قیمت گزافی پرداخت کرده‌اند، آن نقش سیاسی و ایدئولوژیکی که کوردستان در قیام‌های اخیر ایران ایفا کرده است، اثبات می‌کند که تهاجم خشونت‌آمیز جمهوری اسلامی ایران برای آسمیله‌کردن و از انسانیت تهی‌کردن کوردها نتیجه‌ی معکوس داشته است (حسینان، ۲۰۲۲؛ سعدی، ۲۰۲۲). در نوشته‌های اکبرزاده و همکارانش آمده است که «گسست احساسی واضحی میان کوردهای ایران و جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. از نظر تاریخی، این‌چنین گسستی در قلب جنبش‌های مخالفان قرار دارد و مایه‌ی نگرانی حکومت مرکزی بوده است» (اکبرزاده و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱۱۵۷).

فعالیت اینترنتی و سایبری کوردها

در دهه‌های اخیر، فعالیت‌های سایبری و استفاده از پلتفرم‌های مختلف در رسانه‌های اجتماعی برای مقاصد سیاسی به‌صورت فزاینده‌ای در میان کوردهای ایران افزایش یافته است. رسانه‌های اجتماعی و سایر ابزارهای ارتباطات دیجیتالی، فرصت‌های زیادی را برای کوردها در روزگارات و سایر بخش‌های کوردستان و برای جنبش‌شان فراهم آورده است تا به مقاصد متعددی اعم از گسترش و ترویج زبان کوردی و جنبه‌های سیاسی جنبش کوردها خدمت کنند. این‌ها روش‌هایی هستند که کوردها به‌مثابه گروه ملی زیردست و به‌حاشیه‌رانده‌شده به کار می‌گیرند تا آرمان خود را ترویج دهند. ارتباطات میان گروه‌ها، افراد و جوامع اپوزیسیون کورد به واسطه‌ی ظهور پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی و سایر

جمهوری اسلامی ایران در جنگ روانی علیه کوردها بوده است. پاشیدن بذر تفرقه در جنبش کوردها (به‌ویژه میان احزاب سیاسی) و جامعه‌ی کورد یک دلیل اصلی برای پخش روایات گمراه‌کننده درباره‌ی جنبش کوردها است. رژیم مستنداتی را درباره‌ی لحظات حساس در جنبش کوردها، مانند نخستین هفته‌ها و ماه‌های پس از انقلاب ۱۹۷۹ و نزاع‌های کمپین راسان (نگاه کنید به ذیل) ساخته است (استانسفیلد و حسینان، ۲۰۲۲) و تلاش می‌کند کوردها را از جنبش و رهبران‌شان ناامید سازد.

اگر چه ادبیات سیاسی کوردها و اختلافات دولت-کوردها در ایران زاویه‌ی دیگری را آشکار می‌کند. طبق این ادبیات، سیاست سرکوبگرانه‌ی جمهوری اسلامی ایران محصول ادامه‌ی خط سیری تاریخی است که به اوایل قرن بیستم برمی‌گردد. از زمان تأسیس دولت مدرن ایران، جنبش ملی کوردها همواره تهدیدی برای امنیت ملی ایران به شمار آمده است. نخبه‌های حاکمان متوالی ایران از آنچه که تهدید وجودی ناسیونالیسم کوردها علیه ایران می‌بینند، هراس دارند. طبق گفته‌های شهرام اکبرزاده و همکارانش، «میزان تهدیدی که کوردها -یا حرکت سیاسی کوردها- برای حاکمیت ایرانی دارند جای بحث است. امکان دارد این‌گونه فرض شود که حوادث تاریخی، درک تهران از کوردها به‌مثابه‌ی تهدید و در نتیجه امنیتی‌سازی مسئله‌ی کوردها را شکل می‌دهد» (اکبرزاده و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱۱۴۸).

تهاجم چندجانبه‌ی جمهوری اسلامی ایران به کوردها و واکنش کوردها منجر به سیاسی‌سازی گسترده‌ی هویت کوردها و بیگانه‌شدن کوردها نسبت به هویت ایرانی شده است. با اشاره به اکبرزاده و همکارانش، این پیشرو‌ها «به‌غایت به امنیت جمهوری اسلامی آسیب می‌رساند» (۲۰۱۹، ص ۱۱۵۸).



راه‌های ارتباطات دیجیتالی بهبود یافته است. فعالیت سایبری و اینترنتی بیشتر در میان کوردهای ایرانی در تبعید در دیاسپورای اروپا و آمریکای شمالی انجام می‌شود که فعالیت‌ها و سیاست‌های سرکوب‌گرایانه‌ی جمهوری اسلامی ایران در کوردستان را آشکار و محکوم کرده‌اند. در بازه‌ی زمانی میان ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ کمپین‌های هشتگی زیادی در تقبیح اعدام‌ها و شکنجه‌های فعالین جامعه‌ی مدنی، زیست‌محیطی و سیاسی، از جمله قتل ژینا امینی به راه افتاد. ظهور روزنامه‌ها و مجلات دوزبانه‌ی (کوردی و فارسی) اینترنتی عنصری دیگر از فعالیت‌های مدنی و سیاسی در کوردستان ایران در عصر دیجیتال است. این پیشرفت در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ و علی‌رغم امنیتی‌بودن تمام‌عیار جنبه‌های مختلف زندگی شروع شد و تا کنون ادامه دارد. همزمان سپاه پاسداران به‌شیوه‌ی وسیعی در ساخت پلتفرم‌های رسانه‌ای برای پخش اطلاعات نادرست درباره‌ی کوردستان سرمایه‌گذاری کرده است تا انواع هجوم‌ها را به منظور به چالش کشیدن فرهنگ و هویت کوردها انجام دهد. این مسئله پس از دو دهه از افول فعالیت (۱۹۹۵-۲۰۱۵) صورت گرفت، زمانی که احزاب سیاسی کورد چالش جدیدی را برای حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در کوردستان ایجاد کردند. برای مثال، حزب دموکرات کوردستان ایران (حدکا)، جریان اصلی سازمانی سیاسی کوردهای ایران، پس از اعلام و آغاز کمپین راسان روژهلان (احیای روژهلان/شرق کوردستان)، جانی تازه به مبارزه‌ی سیاسی و فرهنگی کوردها در ایران بخشید (استانسفیلد و حسنین، ۲۰۲۲). رژیم مشکلات سیاسی و اقتصادی دارد و ظهور هرگونه اپوزسیون جمعی مردمی و سیستماتیک، مانند جنبش کوردها که در دوره‌ی پس از ۱۹۷۹ چالش عمده‌ای برای جمهوری اسلامی ایران بود، برایش

نگران کننده است. در نوشته‌های بهاری آمده است که جنبش کوردها «ممکن است در آینده دروازه‌ی دموکراسی و سمبل آزادی شود. بنابراین، این باعث شده است که تهران قضاوت خود را وقف جنگ علیه موقعیت دیرینه‌ی سیاسی کوردها کند» (۲۰۲۱).

کوردهای در تبعید به‌مثابه دیاسپورای ملتی بدون دولت (الیاسی، ۲۰۲۱)، روزنه‌های رسانه‌ای مدرن مانند چاپ، خبررسانی، اینترنت و سایر تکنولوژی‌های ارتباطات دیجیتالی را به خدمت گرفته‌اند تا جهان‌بینی کوردی را رواج دهند (آقاپوری، ۲۰۲۰). رسانه‌های اجتماعی و سایر پلتفرم‌های دیجیتال، جوامع و فضاهای مجازی‌ای را برای کوردها فراهم کرده‌اند تا مبارزه‌ی سیاسی خود را به‌صورت کنشگرانه‌ی تقویت کنند. استفاده‌ی افراد و سازمان‌های سیاسی کورد که در تبعید یا دیاسپورا هستند از رسانه‌های اجتماعی و فعالیت دیجیتالی در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری یافته است. آبراه‌های ارتباطات دیجیتالی به روش‌های مختلفی و در خدمت تولید دانش، کمپین‌های آگاه‌سازی و گفتگوهای ایدئولوژیکی بین‌جوامعی به کار برده می‌شوند. مجله‌ی تیشک که اکنون در میان بخش‌های مختلف جامعه‌ی کوردی محبوب است، تکنولوژی‌های دیجیتالی را برای تولید، چاپ و توزیع اطلاعات به‌کار می‌برد، برای مثال از طریق پادکست‌های مربوط به کوردستان و جنبش کوردها و سمینارها و میزگردها و سخنرانی‌های منظم اینترنتی با حضور کارشناسان و سیاستمداران. علی‌رغم آنکه جمهوری اسلامی ایران مستبدانه دسترسی به اطلاعات را محدود کرده است، اما در داخل ایران با هزینه‌ی کمی قابل دسترس است.

پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی از جمله فیس‌بوک و تویتر روزانه استفاده می‌شوند تا کمپین‌های سیاسی به راه افتند و اطلاعات

درباره‌ی جنبش به وطن و دیاسپورا برسد. این‌گونه رسانه‌ها پلتفرم‌هایی هستند که در آن‌ها کشمکش‌های استدلالی میان ایدئولوژی‌ها و چشم‌اندازهای سیاسی شکل می‌گیرند. یکی از پیشرفت‌های اخیر، پس از قیام‌های ۲۰۲۲ ایران، افزایش فعالیت مجازی کوردها (به‌ویژه در تویتر) است که در آن فعالین سیاسی و آکادمیک چشم‌اندازهای غیردموکراتیک دوران پس از تغییر رژیم ایران (برای مثال چشم‌اندازی که سلطنت‌طلبان نشان می‌دادند) را به چالش می‌کشند و اطلاعات مربوط به حوادث داخل ایران و کوردستان را به زبان‌های مختلف ازجمله انگلیسی نشر می‌دهند تا به دست بخش وسیع‌تری از جامعه‌ی جهانی برسد. جنبه‌ی دیگری از فعالیت‌های مجازی و اینترنتی استفاده از پخش‌های زنده در رسانه‌های اجتماعی است که امکان گفتگوی علنی میان اعضای (پیشین) احزاب سیاسی کورد مانند حدکا، کومله (کومله‌ی زحمتکشان انقلابی کوردستان ایران)، پژاک (حزب حیات آزاد کوردستان) و خبات (سازمان مبارزه‌ی کوردستان ایران) را فراهم کرده است تا تجربیات سازمانی خود را به اشتراک بگذارند (روان، ۲۰۲۲).

گاهی در این گفتگوها تأملات منتقدانه نسبت به کارآمدی رهبران جنبش کوردها و روابط بین‌سازمانی صورت می‌گیرد که بعضی منجر به نزاع‌های مسلحانه و سایر اشکال اختلافات بین‌سازمانی و فراسازمانی شده است. به‌طور خاص، جنگ برادرکشی میان حدکا و کومله در دهه‌های ۱۹۸۰ موضوع مناظرات شدید اینترنتی و پخش‌های زنده‌ی فیس‌بوکی بوده است که در آن نوع بسیج نیروها و کارکرد و نقش رهبران احزاب سیاسی کورد به صورت منتقدانه‌ای تشریح شده است. هرچند در این‌گونه گفتگوها هرگز خود جنبش کوردها و هدف نهایی آن

زیر سوال برده نشده است و محدود به نقد احزاب سیاسی و رهبری آن‌ها بوده است (صدا و سیمای کوردستان، ۲۰۲۱). با این حال، فیلم فوق‌الذکر، لبه‌ی دوم تیغ، آشکار می‌سازد که رژیم از نزدیک فعالیت‌های مجازی و اینترنتی کوردها را نظارت می‌کند. در حالی که لبه‌ی دوم تیغ دستکاری تاریخ است، جمهوری اسلامی ایران با اشاره به بحث‌های اینترنتی فعالین کورد سعی می‌کند به‌مرور به مردم کورد بقبولاند که احزاب‌شان شکست خورده‌اند و هر جنبشی که با رژیم مخالفت کند محکوم به شکست خواهد بود (بهار، ۲۰۲۱).

همچنین، علی‌رغم منابع محدود مالی، استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای و سایر تکنولوژی‌های پخش برای ترویج آرمان و هویت کوردها و در روبرویی با روش‌های پروپاگاندایی جمهوری اسلامی ایران از اوایل قرن بیست و یکم رویه‌ی روبه‌رشدی داشته است. برای مثال، بسیاری از احزاب سیاسی اکنون ایستگاه‌های تلویزیونی خود را دارند، مانند کوردکانال حدکا؛ روزهای تی‌وی کومله، نوروز تی‌وی پژاک و کومله تی‌وی حزب کومونیست ایران که دفترهای اصلی‌شان در پایتخت‌های اروپایی مستقر هستند (پوش، ۲۰۱۷، ص ۳۴۵). به‌علاوه، سینمای کوردی پلتفرم دیگری است که در معرفی جنبه‌های مختلف زندگی و سیاست کوردستان رشد فزاینده‌ای داشته است. در سال‌های اخیر، فیلم‌های کوردی در داخل و خارج کوردستان مورد توجه واقع شده‌اند. در نوشته‌های سانجیم کوچر آمده است، «متعاقب و در راستای تلاش برای متحدکردن محصولات فرهنگی کوردی در دیاسپورا، روشنفکران کورد سعی کرده‌اند جوهر سینمای کوردی را به‌عنوان چارچوبی شرقی در تهیه و دریافت این فیلم‌ها برای و درباره‌ی کوردها تعریف و تدوین کنند» (۲۰۱۴، ص ۴۷۳). در میان

سایر فعالین سینمایی در داخل و خارج کوردستان، فستیوال فیلم کوردی لندن از ۲۰۰۱ به عنوان مدلی برای سایر گروه‌های دیاسپورای کورد در شهرهای اروپا، آمریکا و استرالیا فعالیت داشته است (کوچر، ۲۰۱۴).

عامل جاش

در راستای جنگ روانی از طریق پخش‌های سینمایی و تلویزیونی که در بالا به آن اشاره شد، جمهوری اسلامی ایران جاش را در جنگ نظامی علیه جنبش کوردها به‌کار گرفته است تا جاسوس فعالین مدنی، فرهنگی و سازمان‌های غیردولتی در کوردستان باشند (ه. روژهلات، ۲۰۲۱، ص ۱۶۵). جاش‌ها، که عبارتند از «همکاران محلی، ابزارهای بومی غلبه‌ی حاکمیت در نقاطی از کوردستان بزرگ‌تر که خود در آن زندگی می‌کنند» در طول نزاع‌های رژیم-کورد در ایران نیرویی مؤثر بوده‌اند (ولی، ۲۰۱۶، ص ۲۹۸). در ایران، میلیشیای جاش که از طرف رژیم به نام پیشمرگه‌های مسلمان (پیشمرگه‌های اسلامی) شناخته شده‌اند، به منظور بهره‌برداری از دانش محلی در جنگ علیه جنبش کوردها و استفاده از آن‌ها علیه خودشان برای تفرقه‌افکنی میان کوردها تشکیل شد. این سیاست نخستین‌بار در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ اجرا شد که قبایل و صاحبین املاک فتودالی را مسلح و حمایت مالی کردند تا اقتدار احزاب سیاسی کورد را به چالش بکشند. از دیدگاه نظامی، جاش‌ها در کنترل کوردستان از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۶ خدمت بزرگی به رژیم کردند؛ هر چند که آن‌ها هرگز موفق نشدند حضور نظامی آن را مشروعیت ببخشند (ولی، ۲۰۱۸، ص ۳۰). فعالیت و شرکت بسیاری از جاش‌ها در تخریب و پاکسازی هویت کوردها باعث تأخیر در رهایی کوردها شده است. این نیروها کارکردی دوگانه دارند، هم در حفظ مستقیم سروری حاکمیت در

کوردستان به‌وسیله‌ی جنگیدن با جنبش کوردها به جای دولت و هم در تقویت حضور اشغالگران. فعالی با نام مستعار ن.ه. پرسیده است که آیا «بدون جاش‌های کورد، که تحت هدایت امثال خلخال‌ی، چمران و بروجردی کار می‌کردند، حمله و کشتار دسته‌جمعی جمهوری اسلامی ایران در دهه‌ی ۱۹۸۰، آنقدر موفق و سریع می‌بود؟ و آیا پاسداران امام زمان [امام دوازدهم شیعیان] خاک کوردستان را به‌آسانی اشغال می‌کردند؟ و آیا رژیم آنقدر به‌سادگی پایگاه‌های نظامی در کوردستان مستقر می‌کرد؟» (ن.ه.، ۲۰۱۰، ص ۱۱).

علاوه بر جنبه‌ی نظامی جاش، نیازهای جنگ روانی برای ترویج فرهنگ بی‌اعتمادی و تحقیر به وسیله‌ی تبدیل برخی از کوردها به «خدمتکاران یک ارباب سرور»، به جمهوری اسلامی ایران انگیزه داده است. از آنجایی که جاش‌های تی (همکاری کردن) برای برخی منبع درآمد بوده است، اعضای جاش به‌شدت به رژیم وابسته شده‌اند؛ امرار معاش آن‌ها و خانواده‌هایشان وابسته به سرکوب دوستان کوردشان است. به قول خلیقی، «ساخت، حمایت مالی و مسلح کردن نیروهای شبه‌نظامی جاش و ادغام آن‌ها در سپاه پاسداران باعث مشکلات سیاسی-اجتماعی» برای کوردها شده است (خلیقی، ۱۹۹۹، ص ۱۳). اینکه افراد جاش و خانواده‌هایشان مورد نفرت واقع شده و از جامعه‌ی کوردها کنار گذاشته می‌شوند، شکافی عمیق در جامعه‌ی کوردها ایجاد کرده است (برونسن، ۱۹۹۲). گسترش جاش‌های تی به بسیاری از بخش‌های جامعه‌ی کوردها توسط جمهوری اسلامی ایران به این معنی بوده است که این پدیده تنها محدود به اعضای شبه‌نظامی مسلح‌شده توسط رژیم نیست، بلکه به دانشگاهیان، مأموران دولتی، در سیستم‌های حکومتی استانی و محلی، کارمندان رسانه‌ای مانند فیلم‌سازها و غیره (ه.)

روزه‌ها، ۲۰۲۱) به منظور تفرقه و بی‌اعتمادی در جامعه‌ی کوردها نیز سرایت کرده است. کاهش مقاومت نظامی کوردها، تقویت کنترل نظامی و اداری کوردستان توسط رژیم در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ و افزایش همزمان آگاهی رژیم نسبت به اثربخشی جنگ روانی و نرم، باعث شده که این رویه به تدریج رو به افزایش یابد. استقرار شبه‌نظامیان قبلی و کنونی در مدیریت مدنی، روزنامه‌نگاری و پست‌های دانشگاهی جنبه‌ای دیگر از سیاست کلی جمهوری اسلامی ایران را در حفظ سلطه‌اش در کوردستان نشان می‌دهد. حضور فعال جاش‌ها در مدیریت استانی و محلی و کنترل‌شان بر شهرداری‌های محلی، شوراهای شهر، اتاق‌های تجارت و بازرگانی و سایر شغل‌ها و سازمان‌های حرفه‌ای در مراکز شهری و روستایی اصلی کوردها، نه تنها بر اثر سیاسی آن‌ها، بلکه بر ثروت اقتصادی روبه‌رشدشان در جامعه و فرای آن دلالت دارد. به قول ولی، روابط مشتری‌مدارانه‌ی جاش‌ها با دولت برای آن‌ها قدرتی فوق‌قضایی در هراساندن جامعه‌ی کوردها فراهم کرده است. درآمد اقتصادی و امتیازات مالی آن‌ها، شکل خاصی از اجاره، تأثیر اصل و نسب طایفه‌ای و قدرت سیاسی در سازمان‌های امنیتی دولت در آن منطقه به خود گرفته است (ولی، ۲۰۱۸، ص ۳۰۱).

رژیم بارها براساس نیاز و مزاج خود شبه‌نظامیان جاش را تغییر ساختار داده و بازسازی کرده است و موقعیت آن‌ها را تنزل بخشیده است. این‌گونه تحقیرکردن باعث نارضایتی و اعتراض شده است. تقلیل مقاومت مسلحانه‌ی احزاب سیاسی پس از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ باعث نشد که رژیم سازمان‌دهی جاش‌ها را لغو کند بلکه این «نهاد» و استفاده از آن را به شکل‌هایی غیر از چارچوب نظامی و جاسوسی بازسازی کند. با این حال، نیروهای امنیتی اعضای مؤثر بی‌رحم

خود را حفظ کرده‌اند. برای مثال، برخی از اعضای گروه‌های شبه‌نظامیان ضد جنبش کوردها به پست‌هایی در نیروهای امنیتی و جاسوسی ارتقا داده شده‌اند و به آن‌ها آزادی عمل در ارباب مردم در چارچوب قدرت خود داده شده است. رفتارهای جنایتکارانه و فوق‌قضایی آن‌ها باعث ایجاد فضای ترس و تردید در جامعه‌ی کوردها شده است. فرد جاش برای ارباب جامعه‌ی کوردها به کار برده می‌شود. مثال‌های زیادی از زنان فعال سیاسی کورد که قربانی بی‌رحمی آن‌ها شده‌اند وجود دارد، به‌ویژه آن‌هایی که مانند پیشمرگه عضو احزاب سیاسی نشده‌اند.

زنان بسیاری وادار به ازدواج با جاش‌ها یا رئیس طایفه‌های محافظه‌کار و مذهبی شده‌اند. در نوشته‌های کوردستانی آمده است، «این چنین تنبیهاتی باعث سرکوب زنان فعال سیاسی کورد شده و بسیاری دیگر از ورود به سیاست ترسیده‌اند» (۲۰۲۰، ص ۲۰۱۶). استراتژی‌های سپاه پاسداران و جاش‌ها منجر به ارباب مردم کورد به‌ویژه در مناطق روستایی شده است. این شامل اذیت و آزار جنسی و بسیاری موارد گزارش شده از تجاوز، دزدی از روستاییان و وادارکردن افراد محلی به کار اجباری بوده است. ساکنین مناطق روستایی که در برابر جاش‌ها مقاومت کرده‌اند، به‌شدت به روش‌هایی مانند آزار و زندانی‌شدن مجازات شده‌اند. بسیاری از آن‌ها روستای خود را ترک کرده‌اند تا از این شرایط فرار کنند و در مراکز شهرها، چه شهرهای کوردی و یا مناطقی دیگر در مرکز ایران ساکن شده‌اند. این میزان بالا از جابه‌جایی داخلی و کاهش جمعیت مناطق روستایی در کوردستان به طور جدی دموگرافی، انسجام اجتماعی، غذا و سایر محصولات کشاورزی را تحت تأثیر قرار داده است و نرخ بیکاری و توسعه نیافتگی در کوردستان را افزایش داده است (ن.ه. ۲۰۱۰).

مثالی از مسیر شغلی اعضای جاش «هیوا تاب» است که جاشی معمولی اهل شهرستان مریوان بود که پس از دهه‌ها همکاری با سپاه پاسداران به مقامی بالا ترفیع یافت و به عنوان رئیس اطلاعات سپاه پاسداران گمارده شد. تاب به عنوان جاش در سن ۱۶ سالگی به سپاه پاسداران ملحق شد. همکاری او با جاسوسی از مردم محلی شروع شد تا اینکه به رتبه‌ی بالایی در سازمان خود ترفیع یافت. او از قدرت سازمانی خود برای تشکیل میلش‌های خصوصی ۷ خود استفاده کرد. تمام دهه‌ی ۲۰۰۰، باند تاب خود را به مردم مریوان و مناطق اطراف آن تحمیل کردند و طیف وسیعی از جرایم، از جمله قتل و آزار مردم محلی را مرتکب شدند. پذیرفتن این شرایط از جانب جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران از طرز برخورد رژیم نسبت به کوردها قابل توضیح بود؛ این داستان مثالی است از استفاده‌ی رژیم از جاش در ارباب مردم کورد و گسترش ترس و تردید در میان آن‌ها.

با این حال، در نهایت تاب و اعضای باندش توسط مقامات دستگیر شدند، به سرعت دادگاهی شده، حکم اعدام به آن‌ها داده شد و اعدام شدند. تاب و باندش همانند قربانیان‌شان، خود قربانی روش بدگمانی رژیم به کوردها شدند. هم حمایت ضمنی اولیه‌ی رژیم از تاب و میلش‌های خصوصی‌اش و هم ایستادن در مقابل‌شان از تاکتیک‌های جمهوری اسلامی ایران در کمپین‌های جنگ روانی علیه کوردهاست. در ابتدا از تاب استفاده می‌کنند تا مردم کورد را سرکوب کنند و میان‌شان تفرقه بیندازند، سپس رژیم خود را به عنوان حافظ قانون و دستوری نشان می‌دهند که کوردها باید از آن اطاعت کنند (ن. ۵، ۲۰۱۰، ص ۶-۱۰).

اگرچه هدف نظامی از تشکیل واحدهای جاش آشکار است، اما فایده‌ی آن‌ها از جنبه‌ی

سیاسی-اجتماعی و فرهنگی کم‌تر بررسی شده است. همان‌گونه که در بررسی‌های قبلی اشاره شد، تشکیل و استقرار جاش در راستای خدمت به استراتژی کولونیالیستی «تفرقه بینداز و حکومت کن» بوده است. این سیاست‌ها همواره برای این اتخاذ شده‌اند تا بذر بدگمانی و تکه‌تکه کردن را بپاشند و جنبش کوردها را به چالش بزرگی بکشاند (حسنیان، ۲۰۲۱ الف، ص ۱۴۷). استقرار جاش از طرف جمهوری اسلامی ایران به رژیم کمک کرده است که کوردستان را از نظر نظامی کنترل کند؛ با این حال، این واحدهای جاش نتوانسته‌اند به حضور نظامی رژیم در کوردستان مشروعیت ببخشند. همان‌گونه که عباس ولی (۲۰۱۸) تأکید می‌کند، استقرار این نیروهای شبه‌نظامی طایفه‌ای، که جزئی از سیاست ضدناسیونالیزمی رژیم است، به مشروعیت نظام لطمه‌ی بزرگی وارد کرده است.

نتیجه‌گیری

این مطالعه به بررسی سرکوب‌ها و تهاجم‌های چندجانبه‌ی جمهوری اسلامی ایران علیه کوردها می‌پردازد که شامل طیف وسیعی از ابزارها و تکنیک‌ها می‌باشد. از دیدگاه خاورمیانه‌ای، دسترسی روبه‌افزایش حکومت‌های اقتدارگرا به تکنولوژی‌های ارتباطات به جنگ نرم دولت در جامعه کمک کرده است تا جامعه‌ی مدنی را در وضعیت محرومیتی بحرانی قرار داده است. جمهوری اسلامی ایران و سایر رژیم‌های اقتدارگرا در خاورمیانه به تکنولوژی‌های ارتباطی و نظارتی، مانند پخش تلویزیونی و اینترنتی روی آورده‌اند، که به این رژیم‌ها اجازه‌ی اعمال سیاست‌های سلطه‌جویانه‌ی خود، ایجاد ترس و ارباب و نقض حقوق شهروندان‌شان را می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر تعدد روش‌هایش در جنگ

روانی، کوردستان را میلیتاریزه کرده و آن را در شرایط توسعه‌نیافتگی نگاه داشته است که باعث محرومیت بیشتر مردم کورد در ایران شده است. مشخصه‌ی رابطه‌ی نامتقارن قدرت دولت-کوردها و دستکاری هویت کوردها توسط جمهوری اسلامی ایران، از جمله ادعای اینکه کوردها شاخه‌ای از مردمان آریایی هستند (پوش، ۲۰۱۷؛ وزیری، ۱۹۹۳)، باعث شده که کوردها برای غلبه بر جنگ تمام‌عیار روانی و نرمی که علیه‌شان اعمال می‌شود، در وضعیت دشواری قرار گیرند.

اما کوردها و جنبش سیاسی آن‌ها در روژها‌لات با مشکلات دیگری روبرو است. ایدئولوژی و بسیج سیاسی تکه‌تکه شده، که در فعالیت‌های احزاب سیاسی روژها‌لات به چشم می‌آید، جنبه‌ی چالشی سیاست کوردها در ایران است که در جنبش کوردها در داخل و خارج ایران، باعث مشکلاتی شده است که خودشان به وجود آورده‌اند. برای مثال، در ماه‌های نخست اعتراضات ۲۰۲۲ ایران، حدکا و کومله (عمدتاً) بیانیه‌های حمایت از اعتراضات کوردستان را از جبهه‌ای متحد و از طریق مرکز همکاری احزاب سیاسی کوردستان ایران، که در ژانویه ۲۰۱۸ تأسیس شد، اعلام می‌کردند. اما این همکاری به دلیل همکاری یک‌جانبه و جنجالی عبدالله مهتدی، رهبر کومله، با سلطنت‌طلبان ایرانی رو به افول گذاشت. برای مثال، مهتدی به‌صورت انفرادی یکی از شرکت‌کننده‌های منشور همبستگی ملی ایرانیان، شناخته‌شده به نام مهسا، شد که یکی از امضاکنندگان آن رضا شاه پهلوی، پسر شاه دوم پهلوی، محمدرضا است. این باعث خشم و بدگویی فعالین کورد، از جمله اعضای کومله، شد که مخالف نظرات سلطنت‌طلبانه‌ی پهلوی هستند به این دلیل که نماینده‌ی هویت‌ها و جوامع ملی مختلف

ایران نیست (یوسفی، ۲۰۲۰). حدکا هم این منشور را به دلیل ارایه‌ندادن چشم‌اندازی دموکراتیک برای دوران پس از تغییر رژیم محکوم کرد (رادیو فردا، ۲۰۲۳). اگر چه حدکا و کومله چندین دهه طول کشید تا روابط پس از جنگ داخلی (۱۹۸۴-۱۹۸۸) را به حال طبیعی بازگردانند و مرکز همکاری را تشکیل دهند، این حرکت بلافاصله ضربه‌ای جدی به خط حدکا-کومله‌ی نسبت‌اتحاد و همکاری آن‌ها که در اوایل اعتراضات ۲۰۲۰ دیده می‌شد، وارد کرد.

تجمع ایرانیان دیاسپورا، چه فارس و چه غیرفارس، در حمایت از اعتراضات اخیر کشور، فرم ناسیونالیزم ایرانی را، که تا آن زمان زودگذر بود، به سطح آورد (الیاسی، ۲۰۲۲). از آنجایی که اعتراضات در مناطق جغرافیایی گسترده‌ای اتفاق افتادند و تا حد زیادی به‌صورت یکدست از گروه‌های قومی-مذهبی مختلفی تشکیل شده بودند، چنین اختلافاتی در کشور اتفاق نیافتاد. با این حال، خارج از ایران، برای مثال شهرهای آمریکای شمالی و اروپا، مردم فارس و غیرفارس همزمان در مکان‌های مشابهی اعتراض می‌کردند. گروه‌ها و افراد سلطنت‌طلب و مشروطه‌خواه به‌شیوه‌ی کلامی به کوردهای دیاسپورا و احزاب سیاسی کوردی حمله کرده‌اند و آن‌ها را متهم به تجزیه‌طلبی کرده‌اند و تهدیدی برای تمامیت ارضی ایران خواندند. چندین مثال وجود دارد که گروه‌های ایرانی سلطنت‌طلب و فوق‌ناسیونالیست، فیزیکی به تظاهرکننده‌گان کورد حمله کرده‌اند و آن‌ها را مجروح کرده‌اند، به این دلیل که تظاهرکننده‌گان کورد پرچم کوردستان را حمل می‌کردند (محمدپور، ۲۰۲۴).

همچنین نمونه‌هایی وجود دارد از فارس‌های به‌ظاهر ضد جمهوری اسلامی ایران در دیاسپورا که از ایرانی‌هایی که در کلان‌شهرهای فارس‌نشین مانند تهران



و اصفهان زندگی می‌کنند خواسته‌اند در اعتراضات حضور نیابند و مواظب تغییر رژیم باشند، چرا که -به گفته‌ی آن‌ها- تنها به سود گروه‌های کورد خواهد بود و سرانجام آن تجزیه‌ی سرزمین ایران است (حسنیان، ۲۰۲۲ب). اکبر گنجی، عضو پیشین سپاه پاسداران که اکنون مخالف رژیم است و در تبعید انتخابی خود زندگی می‌کند، در نوامبر ۲۰۲۲ ویدیویی بسیار ضدکورد پخش کرد که در آن به مردم ساکن استان‌های مرکزی ایران علیه حضور در تظاهرات هشدار می‌دهد و در آن ادعا می‌کند که آن اعتراضات تجلی یک «دستورکار کوردی» است و اشاره می‌کند که «گسترش این اعتراضات تمامیت ارضی ایران را به خطر می‌اندازد و در مناطق مرزی مانند کوردستان، خوزستان و سیستان و بلوچستان، این نهایت و دستورکار قیام‌ها است» (حسنیان، ۲۰۲۲ب). این گفته‌ها و امثال گفته‌های نخبه‌های فارس بی‌اعتمادی متقابل میان جوامع ملی فارس و غیرفارس ایرانی را آشکار می‌کند.

*. این مقاله بخشی از پژوهش نویسنده است که در آینده به زبان انگلیسی چاپ خواهد شد.

** دکتر آلان حسینیان استاد دانشگاه و پژوهشگر امور خاورمیانه در انستیتوی عربی-اسلامی (IAIS) در دانشگاه اکستر (Exeter) است

یادداشت

۱. مؤسسه‌ی کوردی پاریس (مؤسسه‌ی کورد، ۲۰۱۷) و بریتانیکا (۲۰۲۴) پیش‌بینی کرده‌اند که جمعیت کوردها بین ۳۶ تا ۴۶ میلیون است. با این حال، این داده‌ها هنوز باید مورد بحث قرار گیرند، چرا که آمار سراسری در هیچ‌یک از دولت‌های اشغالگر کوردستان (ترکیه، ایران، عراق و سوریه)، که می‌توانست ارقام دقیق یا تخمینی درباره‌ی جمعیت کوردها ارائه دهند، وجود ندارد. اگرچه منابع کوردی ارقام بزرگ‌تری را نشان می‌دهند، دولت‌های اشغالگر کوردستان یا وجود کوردها را نفی کرده‌اند یا تمعداً از ارائه‌ی هر داده یا آماری در مورد جمعیت کوردها در قلمروی تحت اشغال‌شان خودداری کرده‌اند.
۲. پنج استانی که عمدتاً ولایت کوردها را در ایران تشکیل می‌دهند شامل کوردستان، کرمانشان (کرمانشاه)، ایلام، لورستان و آذربایجان غربی (کوردها و آذری‌ها به ترتیب در آن ساکن هستند) است.
۳. جاش به معنای کسری الاغ، یک اصطلاح تحقیرآمیز برای

همدستان بومی است.

۴. اتهامات واهی علیه آن‌ها شامل قتل پسر امام جمعه‌ی مریوان بود. پس از روزها شکنجه، در اکتبر ۲۰۱۰، آن‌ها را به ملاقات امام جمعه بردند تا به ترور پسرش اعتراف کنند. این برنامه به دقت صحنه‌سازی شده بود تا از طریق پرس تی‌وی، کانال تلویزیونی ۲۴ ساعته انگلیسی‌زبان وابسته به جمهوری اسلامی پخش شود. در نامه‌ای به گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران، زانیار و لقمان مرادی به عنوان نمونه‌ی شکنجه‌های شدید جسمی و روانی توصیف شده‌اند: «آن‌ها بطری‌ها را آوردند و گفتند که باید موافقت کنید [که اعتراف کنید]، اگر این کار را نکنید، باید روی این بطری‌ها بنشینید. آن‌ها همچنین تهدید به تجاوز جنسی کردند و گفتند، «خودتان انتخاب کنید! یا این را قبول می‌کنید یا این آخرین گزینه‌ی شما خواهد بود». مجبور بودم که قبول کنم چراکه این نوع شکنجه را تاب نمی‌آوردم، و همچنین سسورش و خونریزی شدیدی در ناحیه‌ی تناسلی خود داشتم و بیشتر از این تحمل این شکنجه‌های بی‌رحمانه را نداشتم» (فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر و عدالت برای ایران، ۲۰۲۰، ص ۲۸).

۵. چمران از طرف خمینی به عنوان وزیر دفاع منصوب شد و رهبری حمله‌ی رژیم به کوردستان را در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ به عهده گرفت. بروجردی، فرماندهی سپاه پاسداران، عنوان طعنه‌آمیز مسیح کوردستان را بابت بی‌رحمی خود در کوردستان و وفاداری‌اش به رژیم کسب کرد. شیرازی فرماندهی کل ارتش ایران در طول حمله‌ی رژیم به کوردستان در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ بود. در هنگام اختلافات پس از انقلاب، رژیم شیخ محمد صادقی گوی (معروف به خلخالی) را به عنوان قاضی انتخاب و به کوردستان فرستاد. بی‌رحمی خلخالی باعث شد در کوردستان به نام قصاب کوردستان معروف شود. در زنجیره دادگاهی‌های سریع که فاقد حتی ابتدایی‌ترین اصول صداقت قضایی بود، خلخالی صدها کورد مدنی، از جمله بسیاری زنان و نوجوانان، و فعالین سیاسی را اعدام کرد.

۶. نون-خ یا ن-خ دو حرف الفبای فارسی هستند که احتمالاً مخفف نام شخصیت اصلی این کمدی، نورالدین خانزاده، است.

۷. بر اساس چندین منبع، در آن دهه، تاب و باند او مسئول مرگ بالغ بر ۳۰۰ نفر، شامل روستاییان، بازرگانان و کولبران بودند. طبق یک منبع، در بسیاری از موارد، یونیتفرم گرپ‌های پژاک را بر جسد قربانیان پوشانیده بودند. اعضای این باند ظاهراً بابت تحویل هر جسد مبلغی از سپاه پاسداران دریافت می‌کردند. به‌علاوه، آن‌ها زمینه‌ی خرید و فروش و استعمال مواد مخدر را در کوردستان ایران فراهم کردند.

منابع

- The Islamic Republic of Iran's Multipronged Approach to the Repression of Kurds
- References
- Abna 24 (2023, February 13). Ceremony marking 44th anniversary of Islamic Revolutionof Iran held in Erbil, Iraq. <https://en.abna24.com/story/1345895>
- Aghakhani, Said. (2019, November 25). Noon Khe (IRIB Part 1). https://www.youtube.com/watch?v=Mp0BxEU3rIY&list=PL3jq1VYHtDcPM7hJRYGKz_GJtVeec7xQL
- Aghapouri, Jiyar H. (2020). Toward pluralism-

- ry of the killing of Qasem Soleimani in the Kurdistan region and public concern and denunciation. <https://www.dengiamerika.com/a/6905780.html>
- Dross, Kristin. (2007, July 27). Iran's propaganda purveyors. <https://www.cbsnews.com/news/irans-propaganda-purveyors/>
- Eliassi, Barzoo. (2021). Narratives of statelessness and political otherness: Kurdish and Palestinian experiences. Palgrave Macmillan.
- Eliassi, Barzoo. (2022, July 11). Privilege, difference and inequality in the world of unequal nation-states. <https://cultureproject.org.uk/privilege-difference-and-inequality-in-the-world-of-unequal-nation-states/>
- Elling, Rasmus C. (2013). Minorities in Iran: Nationalism and ethnicity after Khomeini (1st ed.). Palgrave Macmillan.
- Entessar, Nader. (1984). The Kurds in post-revolutionary Iran and Iraq. *Third World Quarterly*, 6(4), 911–933. <https://doi.org/10.1080/01436598408419806>
- Entessar, Nader. (2010). *Kurdish politics in the Middle East*. Lexington Books.
- Erdelan, Saro. (2021). Cinema and colonialism: Representing Kurds in Iranian cinema. *Govari Tishk*, 22(58), 111–135.
- Fars News Agency. (2015, November 17). Hotel Fetile. <https://www.youtube.com/watch?v=FICknBs3Yg8>
- Fersh, Ibrahim. (2021). Media. *Govari Tishk (Tishk Journal)*, 22(58), 11–21.
- Gambrell, Jon. (2020, June 25). Iran TV airs 355 coerced confessions over decade. <https://apnews.com/article/2f5e336cb7f96c2829a98a522f705855>
- Ghobadi, Kawe. (2019, October 2). The demonization of Kurdish men in the dominator's cinema. <https://www.radiozamanah.com/467190/>
- Hassaniyan, Allan. (2020). The gains and risks of Kurdish civic activism in Iran. *MERIP*, 295.
- Hassaniyan, Allan. (2021a). *Kurdish politics in Iran: Crossborder interactions and mobilisation since 1947*. Cambridge University Press.
- Hassaniyan, Allan. (2021b). The environmentalism of the subalterns: A case study of environmental activism in Eastern Kurdistan/Rojhelat. *Local Environment*, 26(8), 930–947. <https://doi.org/10.1080/13549839.2021.1933927>
- Hassaniyan, Allan. (2022a, October 27). Iran: Popular uprising or 'armed revolt'? (LSE Blog). <https://blogs.lse.ac.uk/mec/2022/10/27/iran-popu->
- tic and grassroots national identity: A study of national identity representation by the Kurdish diaspora on social media. *National Identities*, 22(2), 173–192. <https://doi.org/10.1080/14608944.2019.1601172>
- Akbarzadeh, Shahram, Ahmed, Zahid Shahab, Laoutides, Costas, & Gourlay, William. (2019). The Kurds in Iran: Balancing national and ethnic identity in a securitised environment. *Third World Quarterly*, 40(6), 1145–1162. <https://doi.org/10.1080/01436597.2019.1592671>
- Bahari, Rzggar. (2020). Kurd, media, broadcasting. *Govari Tishk*, 22(55), 292–303.
- Bahari, Rzggar. (2021, February 4). A reflection on the television series *Lebey-dovom-e tigh* (Facebook). <https://www.facebook.com/Rizgar.Behari>
- Bajoghli, Narges. (2017). The outcasts: The start of 'new entertainment' in pro-regime filmmaking in the Islamic Republic of Iran. *Middle East Critique*, 26(1), 61–77. <https://doi.org/10.1080/19436149.2016.1245529>
- Bozorgmehr, Najmeh. (2020, February 13). Lights, camera, revolution: Iran's military makes films. <https://www.ft.com/content/87062a34-4be6-11ea-95a0-43d18ec715f5>
- Britannica. (2024, March 13). Kurd. <https://www.britannica.com/topic/Kurd>
- Bruinessen, Martin V. (1992). Kurdish society, ethnicity, nationalism and refugee problems. In *The Kurds: A contemporary overview*. Routledge.
- Cabi, Marouf. (2023). The armed struggle of the 1980s in Iranian Kurdistan: A space for survival. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 50(5), 1091–1111. <https://doi.org/10.1080/13530194.2022.2057280>
- Center for Human Rights in Iran. (2021, March 31). Iran's intelligence establishment is spreading propaganda through films and TV. <https://iranhumanrights.org/2021/03/irans-intelligence-establishment-is-spreading-propaganda-through-film-and-tv/>
- Charters, David A. (1977). Intelligence and psychological warfare operations in Northern Ireland. *The RUSI Journal*, 122(3), 22–27. <https://doi.org/10.1080/03071847709428732>
- Clow, Ryan. (2009). Psychological operations: The need to understand the psychological plane of warfare. *Canadian Military Journal* Issue, 9(1), 21–29.
- Dengi Amerika. (2023, January 5). The anniversa-

- Koçer, Suncem. (2014). Kurdish cinema as a transnational discourse genre: Cinematic visibility, cultural resilience, and political agency. *International Journal of Middle East Studies*, 46(3), 473–488. <https://doi.org/10.1017/S0020743814000555>
- Kurdistan IRIB. (2021, September 27). Lebey-Dovom-e Tigh (The second edge of the blade) (Parts 1 & 2). Telebion. <https://www.youtube.com/watch?v=8fNt6gGl4EQ>; <https://www.youtube.com/watch?v=1TMwKVskDgw&t=50s>
- Kurdistani, Zhiwan. (2020). Reflection on women's marginalisation in Kurdish society. *Govari Tishk*, 22(57), 210–219.
- Lasswell, Harold. (1951). Political and psychological warfare. In D. Lerner (Ed.), *Propaganda in war and crisis*. G. W. Stewart.
- Linebarger, Paul D. (1948). *Psychological warfare*. Martino Fine Books.
- Maasumi, Parvane. (2013, October 21). The victims of Kurdistan serial killings. <https://rojhelat.info/en/?p=6506>
- Mofidi, Sabah. (2022). The political function of religion in Kurdish and Perso-Iranian nationalist confrontations after the 1979 revolution. *International Journal on Minority and Group Rights*, 29, 953–983.
- Mohammadpour, Ahmad. (2024). Decolonizing voices from Rojhelat: Gender-othering, ethnic erasure, and the politics of intersectionality in Iran. *Critical Sociology*, 50(1), 85–106. <https://doi.org/10.1177/08969205231176051>
- Mustafa, Govand. (2022, January 6). Heval Abubakir proposed to make the day of the killing of Qasem Soleimani the World Day of Peace and Dialogue. <https://www.rudawnet/sorani/kurdistan/060120228>
- Naseri, Hersh. (2021). Portraying Kurds in the TV series Noon Khe. *Govari Tishk*, 22(58), 235–249.
- NH. (2010, May 15). Jash Namey Hiwa Tab. <https://www.kurdipedia.org/files/books/2011/61735.PDF?ver=129816016540000000>
- Payne, Kenneth. (2005). The media as an instrument of war. *The US Army War College Quarterly: Parameters*, 35(1). <https://doi.org/10.55540/0031-1723.2243>
- Posch, Walter. (2017). Fellow Aryans and Muslim brothers: Iranian narratives on the Kurds. In *The Kurdish question revisited*. Hurst.
- Radio Farda. (2023, April 19). The Charter of lar-uprising-or-armed-revolt/
- Hassaniyan, Allan. (2022b, November 17). Iran's protest and intercommunal interaction: A Kurdish perspective. <https://cultureproject.org.uk/irans-protest-and-intercommunalinteraction-a-kurdish-perspective/>
- Hassaniyan, Allan. (2022c, October 3). Iran's transformative moment: Kurdistan on the frontline. <https://www.kurdishpeace.org/research/civil-society/irans-transformativemoment-kurdistan-on-the-frontline/>
- Hassanpour, Amir. (1998). Satellite footprints as national borders: Med-tv and the extraterritoriality of state sovereignty. *Journal of Muslim Minority Affairs*, 18(1), 53–72. <https://doi.org/10.1080/13602009808716393>
- Heghighatjo, Mohsen, & Nikdast, Akbar. (2017 December 18). Koy-sanjagh Moasesay-e Farhanigi Honari-e Sabeqwn (Art and Cultural Institute of Sabeqwn). www.youtube.com/watch?v=SAQ_sA9ckM0
- Institut Kurde. (2017, March 28). The Kurdish population. <https://www.institutkurde.org/en/info/the-kurdish-population-1232551004>
- International Federation of Human Rights and Justice for Iran. (2020). Orwellian state: Islamic Republic of Iran's state media as a weapon of mass suppression. *International Federation of Human Rights*. <https://www.fidh.org/IMG/pdf/iran749aweb.pdf>
- Jowett, Garth, & O'Donnell, Victoria. (2012). *Propaganda & persuasion* (5th ed). Sage Publications.
- Kavry, Ahmad. (2019, August 19). Vareshe (Rainfall) (Television series). https://www.youtube.com/watch?v=L9Q9U_xomKE
- Khelighi, Hussain. (1999). *Jan u Jiyan* (Kurdish: Pain and life). Stockholm.
- Khosrawi, Heshmat. (2021). Media and power: Media of the Islamic Republic, a colonialist instrument against Rojhelat of Kurdistan. *Govari Tishk*, 22(58), 22–51.
- King, Christopher. (2013). Kurdistan. The largest 'nation' in the world without its own independent state. GRIN Verlag GmbH.
- Kirmanj, Sherko, & Rafaat, Aram. (2021). The Kurdish genocide in Iraq: The Security-Anfal and the Identity-Anfal. *National Identities*, 23(2), 163–183. <https://doi.org/10.1080/14608944.2020.1746250>



- Eastern Studies, 53(6), 949–965. <https://doi.org/10.1080/00263206.2017.1341409>
- Soleimani, Kamal, & Mohammadpour, Ahmad. (2020a). Life and labor on the internal colonial edge: Political economy of Kolberi in Rojhelat. *The British Journal of Sociology*, 71(4), 741–760. <https://doi.org/10.1111/1468-4446.12745>
- Soleimani, Kamal, & Mohammadpour, Ahmad. (2020b). The securitisation of life: Eastern Kurdistan under the rule of a Perso-Shi'i state. *Third World Quarterly*, 41(4), 663–682. <https://doi.org/10.1080/01436597.2019.1695199>
- Soleimani, Kamal, & Osanzadeh, Davoud. (2022). Textualising the ethno-religious sovereign, history, ethnicity and nationalism in the Perso-Islamic textbooks. *Nations and Nationalism*, 28(3), 1022–1039. <https://doi.org/10.1111/nana.12705>
- Stansfield, Gareth, & Hassaniyan, Allan. (2022). Kurdish insurgency in Rojhelat: From Rasan to the Oslo negotiations. *Middle Eastern Studies*, 58(1), 153–166. <https://doi.org/10.1080/00263206.2021.1918116>
- Tejel, Jordi. (2008). *Syria's Kurds: History, politics and society*. Routledge.
- Tehran Musavvar. (1979). *Nashriyah: Digital Iranian history archive*, University of Manchester. Tehran Musavvar, 2.
- Vali, Abbas. (2011). Kurds and the state in Iran: The making of Kurdish identity. IB Tauris.
- Vali, Abbas. (2016). Reflection on Kurdish society and politics in Rojhelat: A review. In *Kurdish issues: Essays in honor of Robert W. Olson*. Mazda Publishers.
- Vali, Abbas. (2018). *Sekot-e Rojhelat (The silence of Rojhelat/Iranian Kurdistan)*. Pecritique, 6, 1–30.
- Vaziri, Mostafa. (1993). *Iran as imagined nation: The construction of national identity* (1st ed.). Paragon House.
- Yousefi, Hawre. (2020, October 28). Execution of 59 youths of Mahabad; re-visiting a shocking historical narrative. *Iran Wire*. <https://iranwire.com/fa/features/42562/>
- Zeydabadi-Nejad, Saeed. (2010). *The politics of Iranian cinema: Film and society in the Islamic Republic*. Routledge.
- MAHSA: Rejecting the criticism of Abdullah Mohtadi, the Komala Party calls for unity among the opposition. <https://www.radiofarda.com/a/32370311.html>
- Radpey, Loqman. (2022, September 25). Kurdistan in Tehran: What the murder of Jina Amini means for the future of Iran. <https://www.abc.net.au/religion/murder-of-mahsaamini-and-the-future-of-iran/14065538>
- Rahimnejad, Mardin. (2021). Kurds in the coloniser's media. *Govari Tishk*, 22(58), 250–271.
- Remezanzadeh, Ahmad. (2016, November 19). *Hekayet-e Asheghi (Love stories)*. Jozan Film. <https://www.aparat.com/v/PbrBp>
- Rojhelat, Hiwa. (2021). Decay of eternity, review of the series *Rozhay-e Abedi*. *Govari Tishk*, 22(58), 157–170.
- Rojhelat, Raman. (2021). *Kurd channel*. *Govari Tishk*, 22(58), 346–350.
- Romano, David. (2006). *The Kurdish nationalist movement: Opportunity, mobilization, and identity*. Cambridge University Press.
- Saadi, Sardar. (2022, September 26). A feminist revolution is challenging Iran's regime. <https://www.kurdishpeace.org/research/civil-society/a-feminist-revolution-is-challenging-irans-regime/>
- Sadeghi-Boroujerdi, Eskandar. (2023). *Iran's uprisings for 'women, life, freedom': Over-determination, crisis, and the lineages of revolt*. *Politics*, 43(3), 404–438. <https://doi.org/10.1177/02633957231159351>
- Sadiq, Ibrahim. (2023). *Origins of the Kurdish genocide: Nation building and genocide as a civilizing and de-civilizing process*. Rowman & Littlefield.
- Saed, Rawan. (2022, May 17). How Iran uses malware against Kurdish dissidents. <https://www.kurdishpeace.org/research/security-and-defense/how-iran-uses-malwareagainst-kurdish-dissidents/>
- Saleh, Alam. (2013). *Ethnic identity and the state in Iran*. Palgrave Macmillan US. <https://doi.org/10.1057/9781137310873>
- Sheyholislami, Jafar. (2011). *Kurdish identity, discourse, and new media*. Palgrave Macmillan US. <https://doi.org/10.1057/9780230119307>
- Snur News. (2021, August 6). *Nechirvan Barzani: We consider ourselves part of Iran and its revolution*. <https://snurmedia.com/4424>
- Soleimani, Kamal. (2017). *The Kurdish image in statist historiography: The case of Simko*. Middle